

بسم الله الرحمن الرحيم

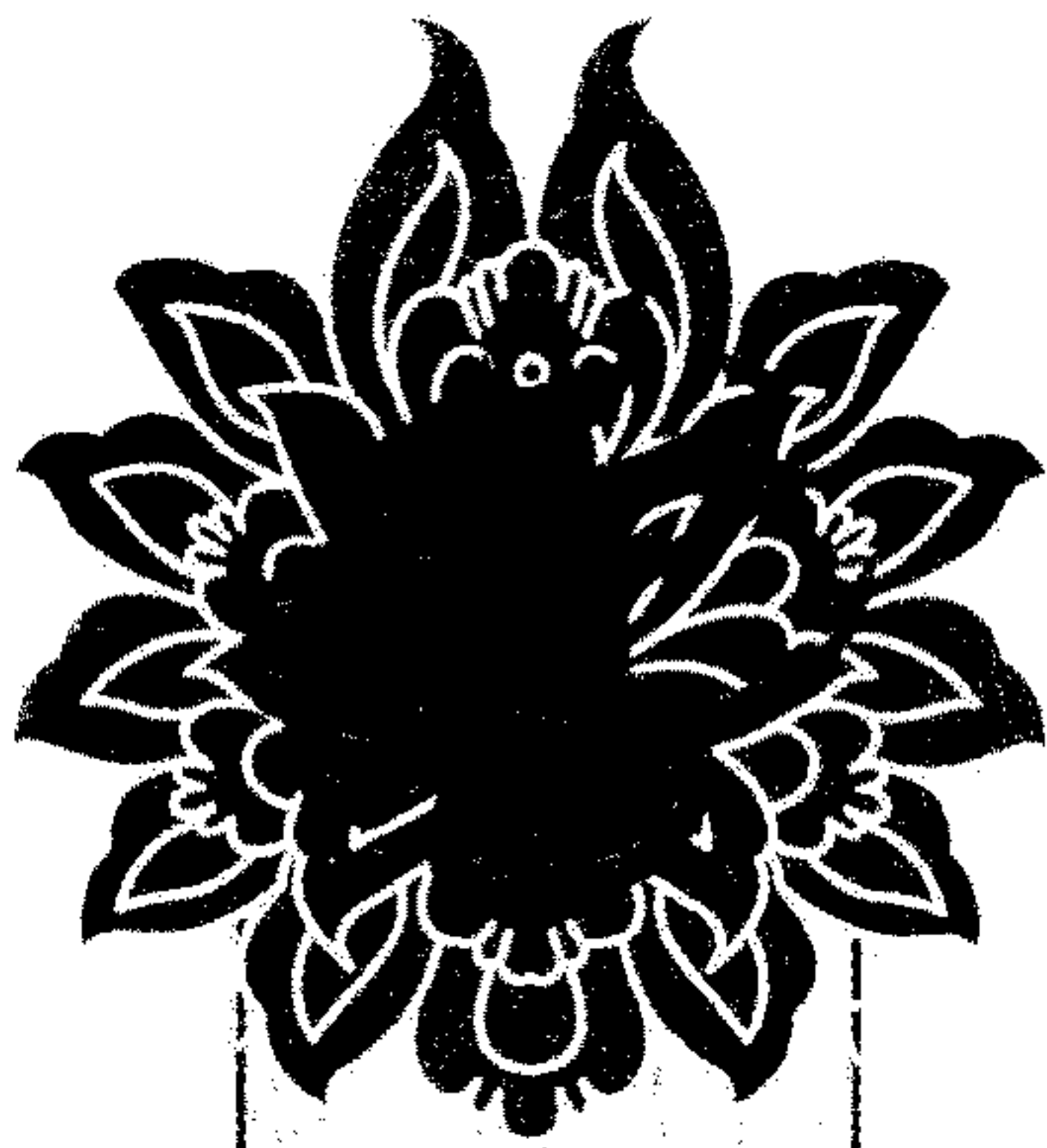
بسم الله الرحمن الرحيم



مجموعه مرزبانان ممدوی

آوازی روزگار

دکتر عبدالحسین فخاری



مجموعہ مرزا باؤمہدوی

آوا کی روزگار



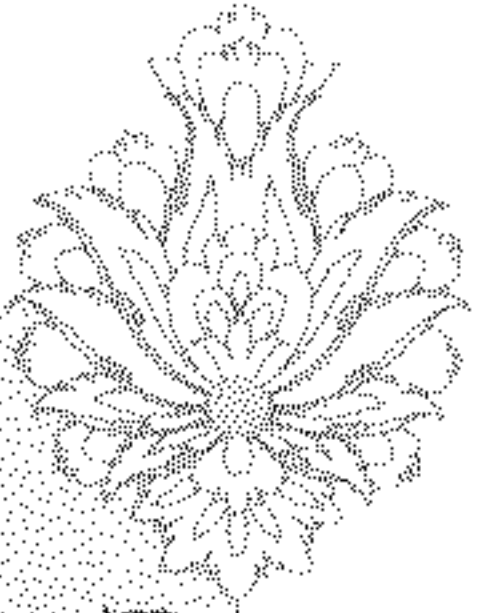
سرشناسه	: فخاری، عبدالحسین، ۱۳۳۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: آوای روزگار
مشخصات نشر	: تهران: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	: ۹۶ص. ۱۹×۹/۵! س. م.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۴۷۶-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبای مختصر
یادداشت	: این مدرک در آدرس http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۷۷۳۲۹۹



نام کتاب: آوای روزگار
 ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر
 فروست: مرزبانی مهدوی
 گردآورنده: دکتر عبدالحسین فخاری
 ویراستار: محمد گورگانی
 نوبت چاپ: اول
 سال چاپ: ۱۳۹۴
 شمارگان: ۲۰۰۰
 لیتوگرافی: سیب
 چاپ و صحافی: بهمن
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۹-۴۷۶-۷

۹	سرود جاویدان
۱۰	سالی دیگر
۱۲	نوروز و روزی نو
۱۳	نوروز و آمادگی
۱۴	خرمی روزگاران!
۱۶	گزارش پایان سال
۱۹	جمعه‌های انتظار
۲۰	عصر جمعه‌ها
۲۲	پیامبر آگاهی
۲۴	ما و پیامبر
۲۶	ریحانه ملکوت
۲۸	بانوی بی‌کرانگی
۲۹	شاهد بقیع
۳۰	رجب و جمیع خیر
۳۱	امام هادی و میراث هدایت
۳۳	بعثت رشک ملایک
۳۴	مصباح الهدی
۳۶	قمر نورانی!
۳۸	زینت عابدان و سالار ساجدان
۴۰	حماسه میلاد نوسازی پیمان
۴۲	حماسه جشن‌های میلاد
۴۴	می‌آید او
۴۶	مشک فشان
۴۷	نگار می‌رسد
۴۸	سلام بر رمضان
۴۹	ماه گشایش
۵۰	رمضان و انتظار
۵۱	سالار جوانان و آخرالزمان
۵۴	صاحب قدر
۵۶	شهید محراب
۵۷	عیدی کریمانه
۵۹	پیشوای صادقان انتظار

۶۱	در سوگ امام صادق
۶۲	یا ثامن الحجج
۶۴	حج فراخوان حضور
۶۶	احرام قیام
۶۸	طواف حرم
۷۰	امیر و مولای حاجیان
۷۲	عرفه و قربان
۷۴	لیبک غدیری
۷۶	هویت غدیری
۷۸	از غدیر تا ظهور
۸۰	مباهله
۸۱	میراث حسینی و مهدویت
۸۴	خون عاشورایی
۸۶	بعد از عاشورا
۸۹	اربعین و مؤمنان
۹۰	اقامه سنت و سیره نبوی
۹۲	امید پاییزی
۹۴	ما و مسیحیان در انتظار



سرود جاویدان

سرود جاودانه "عهد" را هر پگاه بر لبهای خود می‌نشانیم
تا نشان آمادگی باشد

این جان‌های مشتاق ظهورت را

ای حاضر در همه لحظه‌ها مان!

آنان که نام ترا بر زبانمان نشانند

وامدارشان هستیم تا هستیم

دریغمان مدار نگاه مهربانت را ای سرور دل پیامبر ﷺ

"اللهم وسر نبيك محمد ﷺ برويته ومن تبعه على دعوته..."

هر کجا و هر زمان تو را می‌سراییم با سرود "گشایش" با
حماسه فرج:

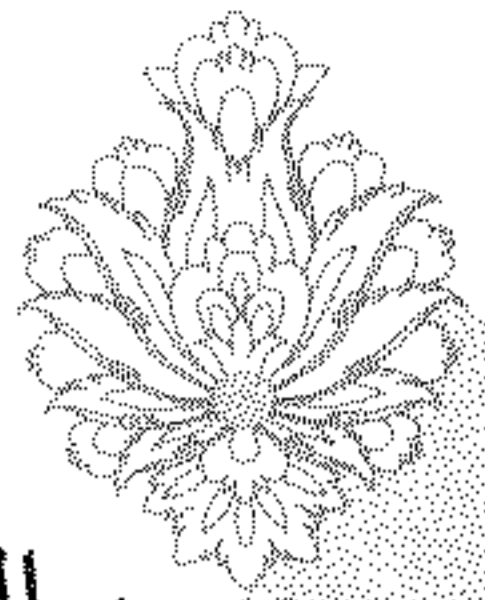
اللهم كن لوليك - الحجة بن الحسن -

صلواتك عليه وعلى آبائه

في هذه الساعة وفي كل ساعة

وليا وحافظا وقائدا وناصرا ودليلا وعينا

حتى تسكنه ارضك طوعا وتمتعه فيها طويلا



سالی دیگر

وقتی در لحظات پایانی سال قبل و آغازین دقایق سال جدید در نیایش با مقلب القلوب، از او "احسن الحال" را طلب کردیم به خوبی می دانستیم فقط در پیوند با شماست که به "احسن الحال" خواهیم رسید، پس هم در آن لحظات تحویل سال و هم در همه این لحظه ها و لحظات دیگر تا پایان سال خواهیم گفت: ای پروردگار قلب ها و بصیرت ها، حوّل حالنا الی احسن الحال!

با خود قرار - و به نوعی پیمان - می گذاریم و عزم می کنیم که زندگی مان در سال جدید این گونه رقم بخورد:

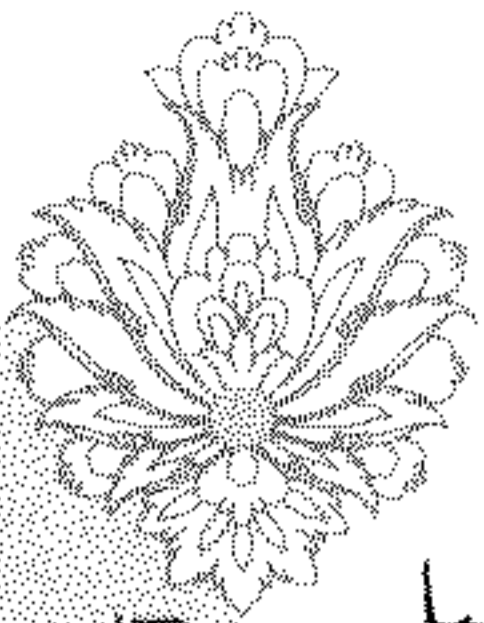
روی نیت و اخلاص در آن، اهتمام ویژه خواهیم داشت تا اجازه ندهیم ریا و شرك و توجه به غیر آن را آلوده کند؛

تجربه ناکامی ها و قصورهای سال قبل خود را فراموش نکرده پیش رو خواهیم داشت تا از آن پلی بسازیم برای جبران و نیز پرواز برای کسب توفیقات افزون تر در فرصت های پیش رو؛

"غفلت" از شما را بزرگ ترین دشمن خود می دانیم و سعی می کنیم آن را با یاد همواره و ترنم دعاها و واردی برای پیوند با شما، درمان کنیم؛

مصمم هستیم در شکار فرصت ها کوتاهی نکرده و هر یک از آن ها را غنیمت شمیریم و به خدمتی نائل آئیم؛

رصد دشمن را همواره مد نظر داریم تا برای همه تحرکاتش پاسخی در خور آماده کنیم که این نخستین گام مرزبانی است؛



تبدلات و تحولات زمانه را به خوبی دنبال نموده با تحلیل آن‌ها بر مبانی معرفتی و معارفی - که از بصیرت دینی برخاسته است شرایط را محک می‌زنیم - تا از افتادن در فتنه‌ها در امان مانیم.

از همه سختی‌ها و چالش‌ها و ناملايمات و نامهربانی‌های زمانه، با توسل و تمسك به ذیل ولایتان پیروزمندانه عبور خواهیم نمود؛ فقه اصغر را ملتزم خواهیم بود اما هیچ‌گاه از التزام به فقه اکبر و تلاش در راه آن غافل نخواهیم ماند؛ رضایت شما را بر پسند اغیار و خوشامد هر کس و ناکسی ترجیح خواهیم داد؛ هدایت و اهداء و ارشاد نفوس مستعده را در جهانی که خسته از ظلم و جهل و فساد و نفاق و تشنه نجات و داد و عدالت و معنویت است، وظیفه تعطیل ناشدنی خود دانسته به آن اهتمام ویژه خواهیم داشت؛ در چشمه سار عبادات، روح و جان خود را شستشو داده از انرژی برآمده از آن برای انجام مأموریت‌های محوله بهره خواهیم گرفت و امیدمان در وصل به همه این‌ها (یعنی گریز از غفلت، شکار فرصت، اهتمام به خدمت، کسب رضایت، قیام به علم و معرفت، ارشاد و هدایت، عبادت و عبودیت) استعانت شما و نگاه و توجه ویژه و کریمانه شماست زیرا باور داریم و هماره می‌خوانیم:

”أَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ وَ مَأْمُورٌ بِالضِّيَافَةِ وَ
الْإِجَارَةِ فَأَضِيفْنِي وَ أَجِرْنِي صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ
الطَّاهِرِينَ...“^۱

۱. مفاتیح الجنان زیارت امام زمان عليه السلام در روز جمعه.



نوروز و روزی نو!

سلام بر بهار مردمان و شادابی روزگاران!
بی تو اینجا همه در حبس ابد تبعیدند!

سالها - هجری و شمسی - همه بی خورشیدند

سیر تقویم جلالی به جمال تو خوش است

فصلها را همه با فاصلهات سنجیدند

تو بیایی همه ثانیه‌ها، ساعت‌ها

از همین روز، همین لحظه، همین دم، عیدند!

این بهار، این سال، و این نوروز را با یاد تو آغاز می‌کنیم تا
ظهورت را در همین بهار در آغوش گیریم و آن "روز نو" را در
روزهای همین نوروز، شاهد باشیم و "شادابی روزگاران" را
در سایه‌سار "بهار مردمان" نظاره کنیم!

السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنْامِ وَ نَضْرَةَ الْأَيَّامِ..!

رسم "بهاری بودن" در خزان‌های دیرپا، به ما آموخته
است گوهر انتظار را آن چنان در قلب‌های خود نگهبانی
کنیم که هر روز درخشان‌تر شود و یأس و ناامیدی را آن
چنان جواب کنیم که فرسنگ‌ها از ما دور شود و به مرگ
گراید!

سالی را آغاز می‌کنیم که می‌خواهیم سرشار از توفیق
خدمتگزاری باشد و همراه با عبودیت و تلاش، تا لبخند
مهر از این مرزبانی بر چهره مولای زمان بنشیند و تبسم
رضایت او - که رضای الهی است - قرین کارنامه‌مان
شود..

۱. مفاتیح الجنان زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف معروف به حق الجدید.

نوروز و آمادگی

اگر نوروز، روزی نو در طبیعت و زندگی نیست، پس بگویید از چه رو "نوروز" نوروز نام گرفته است؟!

روزی نوین است به خاطر حلول "بهار"ی خرم و زیبا از پس خزانی دیرپا و زمینی مرده و خشک...

آنکه "بهار" را منتظر است خانه را از هرچه سیاهی و غبار و آلودگی است می‌روبد تا بهار را با پاکی ملاقات کند و این معنای آمادگی است: آمادگی حقیقی در گرو فاصله گرفتن از تباهی و سیاهی و لحظه شماری برای درآغوش کشیدن بهاران است...

هر که نوروز را، روزی نو در جهان می‌خواهد خانه را از هرچه کهنگی و روزمرگی است پاک می‌کند تا شایسته حضور دوست شود و مقدم بهار را با عطر و سبزه و شیرینی پذیرا می‌شود. این است فلسفه آنچه که در فرهنگ خود شنیده و خوانده‌ایم که اهل البیت علیهم‌السلام، نوروز را پاس داشته‌اند و فرموده‌اند، نوروز را گرمی بدارید که روز فرج ما خاندان نبوت است...

ما را با بهاران، پیمانی است که هر روز آن پیمان و عهد را تازه می‌کنیم و بر آن پای می‌فشریم.

هر سال و همیشه بهاران را شائق و چشم به راه و هواداریم اما امسال بیشتر و بیشتر، چرا که خون مظلومان و منتظران را این گوشه و آن گوشه جهان می‌بینیم که بر خاک ریخته می‌شود و فریاد رسی نیست، حامی و پشتیبانی نه...

اشک یتیمان و همسران جاری و فریاد استغاثه بلند...

همچون همواره، فریادش می‌کنیم آن بهار مردمان و شادابی روزگاران را که هرچه زودتر فرارسد تا خزان و ستم را از جهان بروبد و خرمی و داد را جایگزین نماید و زمین مرده را زنده و شاداب نماید:

السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنَامِ وَنَضْرَةَ الْأَيَّامِ



خرمی روزگاران!

بهار، نماد تازگی و طراوت و رویش و امید و روزگاری نو برای انسانهاست. چیست راز شگفت نامیدن امام عصر ارواحنا فداه به "ربیع الانام=بهار انسانها" اگر مقصود بهار انسانیت نیست!؟

عبور تاریخی انسان‌های خزان‌زده و درگیر قحطی معنا و معنویت، علم‌های سترون و برنامه‌های بی‌نتیجه، واژه‌های مرده و اسیر جنگ و جهل و جمود و جدل و جدائی، به شرایط متفاوت رویش و دانش و بینش و جوشش و تابش و درخشش انوار الاهی و طراوت و رفاه و خرّمی و فراوانی و نیز امنیت و توحید و عبادت و شادمانی...

تفسیر ربیع الانام را باید در صفت و عبارت بعدی جستجو کرد: نضرۃ الایام=خرمی روزگاران!

روزگاران عمر انسان و انسانیت، چگونه خرّم می‌شود؟ آیا فقط با شکوفه زدن درختان و رویش چمن، روزگاران بشریت خرّم می‌شود؟!؟

روشن است که با عدالت و ایمان و محبت و معنویت و محو ظلم و ستم و جهل انسانها به خرّمی می‌رسند.

پس بهار انسانها، آن موعود و منجی مبارک قدمی است که روزگاران انسانیت را به خرّمی برساند نه هر مدعی بهار که با اهداف حقیر و از طریق فریب برای پیروزی بر رقیب و رسیدن به عنوان رئیس، شعار "بهاران" دهد و گمان به رجعت مردگان مسیحی برد و داعیه زمینه‌سازی



مهدویت کند و پندارد که با شعار و حرف تواند ایجاد عدالت کند و روزگاران را به خرمی رساند، هیئات!

این دو عبارت فرخنده را در سلام به جان جانان، این روزها بخوانیم و عرض کنیم: بهار طبیعت بهانه‌ای است زیبا برای تمنای بهار دلها و رهائی انسانها به دست منجی دوران‌ها و عرض ارادت به آن مایه خرمی روزگاران:

السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنَامِ وَنَضْرَةَ الْأَيَّامِ...

سلام بر بهار آدمیان و خرمی روزگاران حضرت مهدی صاحب الزمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ، که خداوند ما را توفیق خدمتگزاری به آستانش دهد!

۱. مفاتیح الجنان زیارت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ معروف به حق الجدید.



گزارش پایان سال

مجموعه مرزبانی مهدوی

خواستم به رسم گزارش پایانی سال، شرحی از اقدامات خود را در مسیر خدمتگزاری تقدیم حضورتان نمایم اما هرچه بیشتر نگاه کردم چیزی که لایق نام خدمتگزاری شما باشد در کارنامه یکساله خود نیافتم. لذا با حالت انکسار و شرمندگی تصمیم گرفتم قصورها و تقصیرها را خدمت شما عرض کنم شاید مشمول عفوتان شوم: مولای من! شرمنده‌ام که نیت خود را در انجام خدمات، خالص نکرده و تعریف و رضایت و احسنت دیگران در کارهایم تأثیر داشته است. شرمنده‌ام که در هنگام عرضه اعمال دل شما را با دیدن نامه پر از گناه خود به درد آورده و شاید اشک بر چشمانتان نشانده‌ام. شرمنده‌ام که دوستی بر دوستان شما نیفزوده و آتش دشمنی دشمنانتان را کاهش نداده‌ام. شرمنده‌ام که قضای حاجات دیگران را بر قضای حاجات شما ترجیح داده‌ام. شرمنده‌ام که دلم مثل ایام سابق دلتنگ و غصه‌دار و بی تاب دوری و غیبت شما نیست. شرمنده‌ام که دعاهایم برای شما دیگر از روی سوز نیست و نوعاً به رسم عادت و فقط لقلقه زبان است. شرمنده‌ام که در خدمتگزاری کم انگیزه شده و محتاج تذکر و شارژ دیگرانم. شرمنده‌ام که دشمنانتان را دست کم گرفته و از دسایس و نقشه‌های جدید گمراه‌ساز آنان غافل شده‌ام تا دستشان برای ضربه زدن به بنیاد ولایت شما بازتر باشد. شرمنده‌ام که در دام‌های دنیا گرفتار شده و اوقات اختصاص داده به شما را کم و کمتر نموده‌ام. شرمنده‌ام که بهانه‌های متعدد و جدید به ظاهر موجهی را برای کم کاری و قصوره‌هایم تراشیده‌ام.



شرمنده‌ام که الطاف بیکران شما بر خودم را فراموش کرده و حتی ناسپاسی و نمک نشناسی نموده و به خاطر بعضی ناملایمات و بی مهری‌ها و دشنام شنیدن‌ها در مسیر کار، زبان به اعتراض گشوده‌ام.

شرمنده‌ام که خود را به خاطر انتساب به خدمتگزاری شما، تافته جدا بافته‌ای دانسته دیگر ارادتمندان شما را به حساب نیاورده و گاهی غیبت و تحقیر نموده‌ام.

شرمنده‌ام که فرزندان و شاگردانی در خور خدمتگزاری آستان شما نساختم و حتی با رفتارهای ناشایست خود الگوی نامناسبی را پیش روی آنان نهاده‌ام.

شرمنده‌ام که در شناخت بیشتر شما و معارفتان باز مانده و کوتاهی نموده و هنوز کاسه لیس بافته‌های شرقیان و غربیانم.

شرمنده‌ام که جسم و روح خود را برای نصرت شما ورزیده نساختم و در يك کلام از اعلاى نام و یاد و راه شما باز مانده و خطا رفته‌ام و فرصت یکساله را تباه ساختم.

اکنون در پایان سال من و امثال من چاره‌ای نداریم که همچون برادران خطاکار یوسف، به پدر خود عرض کنیم:

﴿قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ﴾^۱

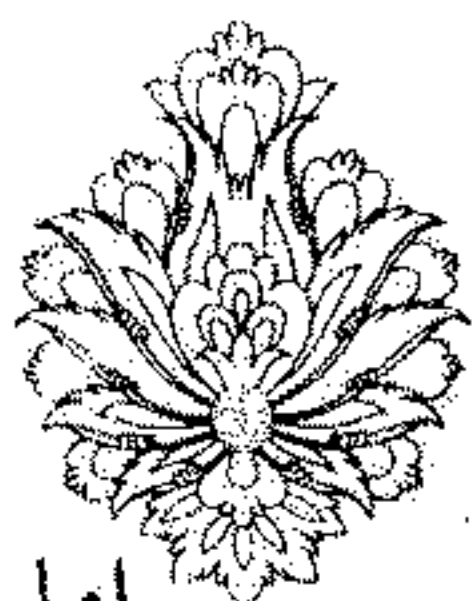
و انتظار داریم شما پدر مهربان‌تر از یعقوب ما را عفو نموده و بفرمایید:

﴿سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾^۲

۱. یوسف / ۹۷

۲. یوسف / ۹۸





اما خوب نیست که گزارش پایان سال فقط گزارش شرمندگی باشد و بهتر است با تجدید پیمان و قول به جبران و استدعای توفیق برای انجام پیمان همراه باشد. پس عرض می‌کنیم: مولای ما! قول می‌دهیم اگر خداوند فرصت یکساله دیگری در اختیارمان نهاد، لحظه لحظه آن را نثار شما کنیم تا يك قدم به ظهورتان نزدیک تر شویم و نیز برای رفع غربت از شما تلاش نموده تا دوستانتان را زیاد و دشمنانتان را کم کنیم. در معرفت شما و معارفتان جهد بلیغ نموده و برآستی به شما متوسل و متمسک شویم، در سفر و حضر، سلامتی و بیماری، غم و شادی، یادتان را فراموش نکرده شما را طیب و انیس و مونس و مغیث خود بدانیم و به هر کس و ناکسی پناه نبریم. بجز واجبات هر عمل عبادی را به شما هدیه کنیم تا از ادعیه زاکیه شما بهره‌مند شویم، در تحولات و تبدلات زمان، خود را نبازیم و در فتنه‌ها راه را گم نکنیم. تلاش وافر کنیم که مأموریت خود را پیروزمندانه به پایان بریم تا شایسته لبخند رضایت‌آمیز شما گردیم و ان شاء الله از یارانتان گردیم و البته یقین داریم این پیمان نیز جز به عنایت شما به انجام نمی‌رسد و انتظار داریم شما نیز به همان رسم شاهانه و کریمانه یوسف، کیل‌گذاری و مسکنت ما را پر کنید که:

﴿يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَّا الضُّرَّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُّزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ﴾^۱.

آموزگار یوسفان، شیدائیان را دست گیر

یابن الحسن، باب العطاء، الغوث یا اهل الکرم

۱. یوسف / ۹۸.



جمعه‌های انتظار

به آخر هفته رسیده‌ایم و فردا جمعه‌ای دیگر از راه می‌رسد
از نوع جمعه‌های انتظار...!

پیش‌ترها، التهاب رسیدن جمعه بی‌تابمان می‌کرد و
لحظه‌ها را می‌شمردیم طول ساعات شب تا سپیده طلوع
کند و در آغوش بکشیم شاید آغازین روز وصل را... اما
این روزها، سرد و بی‌تحرک فقط قیافه منتظران را می‌گیریم
و در فکر روزمرگی‌ها جمعه‌مان با شنبه و سه‌شنبه تفاوتی
ندارد و بلکه جمعه روز سکون و استراحت‌مان است برای
هفته‌های جاری در غفلت...!

افسوس که مسخ شده باشیم و دریغ که دلها بیمار و
آرمان‌ها برباد و اهتمامان دنیا شده باشد...

بر ما چه رفته که دست از مولا شسته یا یاریش را وظیفه
دیگران دانسته و خود را رها و بی‌مسئولیت شمرده
باشیم؟!؟

اف بر این چشم‌ها که این شام را به آسودگی و بی‌دغدغه
فردا می‌خواهد تا خواب‌های خوش دنیایی ببیند و عمر را
به رفاه و بی‌خبری گذراند...

راستی این شب‌ها، شب‌های انتظار است یا آن شب‌ها
که ستاره می‌شمردیم و با ماهتاب سخن می‌گفتیم و
اشک اشتیاق می‌فشاندیم و با نسیم نجوا می‌کردیم که
سلام ما را به کوی یار برساند...؟!؟

فطر و قربان و غدیر را به امید دیدنش چشم به راه بودیم
که با حضور او عید واقعی شود و بردستانش بوسه زنیم و
عیدی ستانیم و به نیم نگاهش بر جهان فخر فروشیم و
جشن عدالت گیریم و با او نماز گزاریم...

تأملی کنیم که دلها آرام آرام سیاه می‌شود نه یکباره! این
شب جمعه را همچون "حر" به هیأت توبه به آستانش مویه
کنیم تا از این ظلمت خود ساخته نجاتمان بخشد...



عصر جمعه‌ها

همان گونه که بامدادان جمعه‌ها، حامل شور و اشتیاق و حماسه است برای منتظران جان برکف که آوای آمادگی سر دهند و امام خویش بخوانند و صلا‌ی یاوری بلند نمایند و سخنان عاشقانه گویند و مشق مجاهدت نموده و به جوش و خروش آیند و با سلام و زیارت و عهد و ندبه او را فریاد کنند، عصرگاهان جمعه‌ها را نیز آدابی است برای تتمیم و تکمیل همان اعمال و رفتارهای مبارک اثر تا يك جمعه طلایی را رقم زنند...

چرا چنین نباشد که جمعه روز صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و نیز روز ولادت و آغاز امامت و روز چشم‌انتظاری برای ظهورشان و روز تجدید عهد یاوری و آمادگی برای منتظرانشان است. این روز را علاوه بر آداب حماسی و شور آفرینی و سلحشوری، نمازی است و زیاراتی و ذکری از ثامن الحجج علیه السلام در قنوت نماز جمعه (اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ ...) و صلواتی ویژه به نام صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی و در لحظات پایانی جمعه قرائت دعای شریف سمات که از ناحیه خود آن بزرگوار شرف صدور یافته است... که درباره هر يك از آنها باید جداگانه شرح و بسط آید...

در فرازی از صلوات ضراب اصفهانی (که سید بن طاووس قدس سره فرموده اگر هر يك از اعمال جمعه را به جهت عذری ترك کردی این دعا را فرو مگذار) می‌خوانیم:

۱. مصباح‌المتهجد شیخ طوسی ص ۲۶۶.



اللَّهُمَّ نَوِّرْ بِنُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ وَ هُدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ وَ اهْدِمْ بِعِزِّهِ
 كُلَّ ضَلَالَةٍ وَ اقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ وَ أَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ وَ أَهْلِكَ
 بِعَدْلِهِ جَوْرَ كُلِّ جَائِرٍ وَ أَجِرْ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَ أَذِلَّ
 بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ ...

امید است مداومت بر این آداب توسط منتظران تقرب به
 آن مولای حنون را تضمین نماید که زبان حالشان است:
 انتظار فرجت شیوه دیرینه ماست

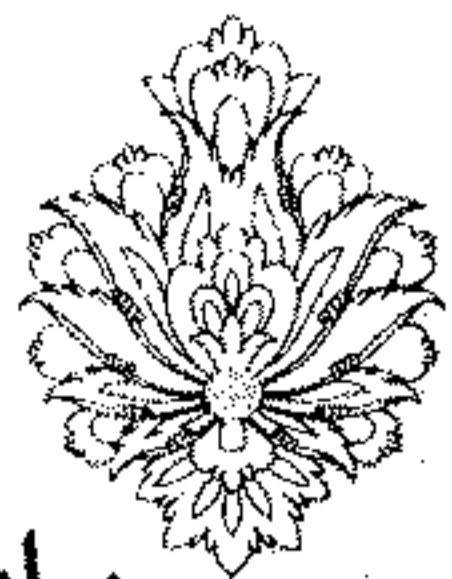
مهرتو تا به ابد همسفر سینه ماست

آب و جارو زدن کوچه دل‌های غریب

تا دم دیدن تو سنت آدینه ماست ...

۱. مفاتیح الجنان صلوات ضراب اصفهانی.





پیامبر آگاهی

می‌لاد پیامبر به‌سازی و آگاهی، حضرت ختمی مرتبت، محمد مصطفی - که بر او و آل او صلوات خدای بی‌همتا - بر همه پیروان و شیفتگان آستانش مبارک و تهنیت باد!

در عظمتش همین بس که در لسان حق، "رحمة للعالمین" است و دارای "خلق عظیم" و صفت "کریم"، "شاهد" و "مبشر" و "نذیر" و "سراج منیر" ...

در دستی "تزکیه" دارد و در دستی "تعلیم". پیامبر به‌سازی است و آگاهی،

﴿يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ ...

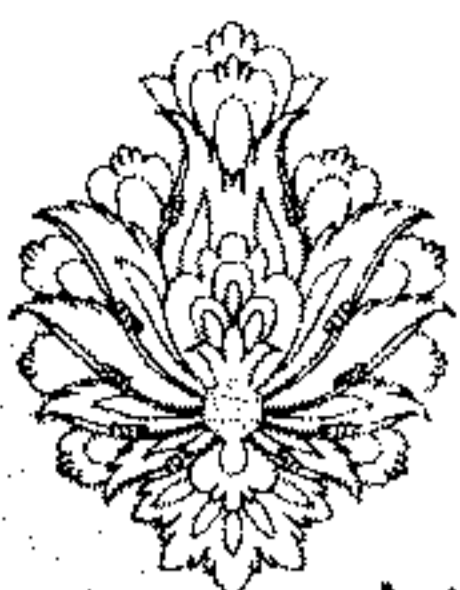
هرچه تاریخ به پیش می‌رود احتیاج انسانها به وجود مقدسش بیشتر احساس می‌شود و کرنش اهل بصیرت در مقابل عظمتش بیشتر... انسانی که اگر تهذیب نشود و آگاه نگردد از هزاران درنده خطرناک‌تر می‌شود و با بمبی میلیونها انسان را به خاک و خون می‌کشد...

اگرچه دو میلیارد مسلمان، به پاس هدایتشان و امدار اویند و هر روز چند بار در نمازها بر او درود می‌فرستند اما بر سنت او پایدار نبوده و براخلاق کریمانه او، رهسپر نیستند...

مگر امیرمؤمنان، دستورشان نداد که: "فَتَأَسَّ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ"^{۱۲}!

۱. آل عمران / ۱۶۴.

۲. نهج البلاغه خطبه ۱۶۰.



- به آن پیامبرت که پاک‌ترین است و دارای طاهرترین نفس، تاسی کن و از حضرتش پیروی نما- چه شده است که به جای آن الگوی پاک، سر در پیروی ناکسان دارند و کرنش در برابر کافران؟!

از سنت او فاصله گرفته‌اند و از شیوه مرضیه‌اش دوری گزیده‌اند آن‌چنان که وقتی فرزندش "مهدی" عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ قیام فرماید و به سنت او عمل نماید گویند "دینی جدید آورده است"!

شگفتا که امروز بعضی غربیان در عمل به شیوه‌اش از مسلمین پیشی گرفته‌اند - چون سنتش ریشه در عقل و اندیشه دارد- و گرایش افواج فرهیختگان به دیانتش علی‌رغم سم‌پراکنی رسانه‌های معاند، معجزه‌ای است آشکار...

صلوات و سلام خدا بر او و خاندان پاکش باد در لحظه‌ها و ثانیه‌های نهان...



ما و پیامبر

آن وجود مسعود که خدای بزرگ "رحمة للعالمین" نامید
 ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^۱ و او را بر ما حق حیات و
 تعلیم و هدایت و شفاعت است، هماره پیش روی ماست
 سیره اش، میراثش، سنتش و رفتارش که خدایش فرمود:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾^۲

او الگوی زیبایی فراروی شماست تا همچون او زیبا و
 دلپسند و الاهی شوید...

آن "اسوه حسنه" را هر روز در نمازها یاد می کنیم که نماز
 بی شهادت بر رسالتش، ناتمام است.

هماره با "صلوات" بر او جان را خوشبو می کنیم تا نشان
 پیوند حقیقی مان باشد با آن شجره نبوت و خاندان
 پاکش که خداوند بر آنها سلام فرستاده است:

"سلام علی آل یاسین"^۳

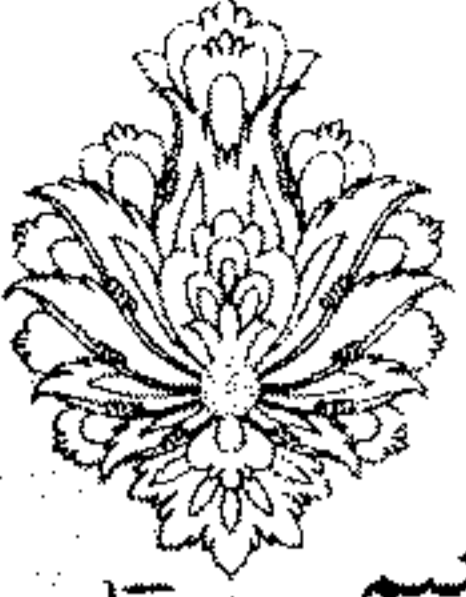
از دور و نزدیک زیارتش نموده و آیه های اخلاص و ارادت
 را نجوا و گل واژه های مهر را نثارش می کنیم.

نام فرزندانمان را نام او و فرزندان او می گذاریم تا هر
 بار که آنها را صدا می کنیم به یاد آن عزیزان دل را صفا
 دهیم.

۱. انبیاء / ۱۰۷.

۲. احزاب / ۲۱.

۳. مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.



به وجود آن امیر هدایت و میراث نبوتش افتخار می‌کنیم
و به خود می‌بالیم که امتش هستیم و "امت مرحومه‌ایم" و
برترین امت‌ها ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ﴾^۱...

این‌ها همه هستیم اگر راهرو حقیقی راهش باشیم و تابع و
مطیع و مبلّغ شریعتش گردیم!

جهان مدرن و مردم سرگشته این قرن، بیش از هر
زمان تشنه پیام او و اقتدا به سیره‌اش برای نجات از
درماندگی‌های عصر جدید است و این وظیفه بر دوش
ماست که جهانی را از طریق زبان و قلم و رسانه با او آشنا
کنیم که اگر این وظیفه را به خوبی انجام دهیم، خواهیم
دید که ﴿يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾^۲!

و مگر چنین نیست که همه ترفندها و تقابل‌ها و ترورها
و دروغ پراکنی‌ها و اهانت‌های دشمنان برای خاموش
کردن مصباح هدایتش ره به جایی نبرده و نمی‌برد که:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ
الْكَافِرُونَ﴾^۳...

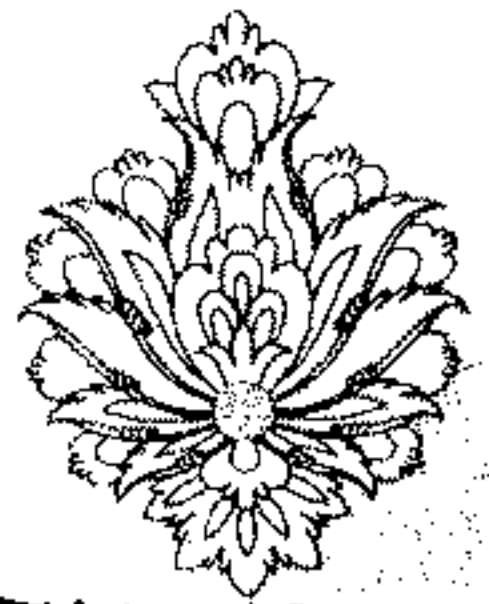
تحقق بخش آرمان‌ها و ظاهر کننده اقتدار آیینش بر
همه آیین‌ها (ولی الله الاعظم) نیز چشم به راه تلاش‌ها
و اقدامات "امت مرحومه" است و مؤید و حامی و
پشتیبانشان تا به اذن الاهی ﴿لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾^۴ را
محقق فرماید ان‌شاءالله.

۱. آل عمران / ۱۱۰.

۲. نصر / ۲.

۳. توبه / ۳۲.

۴. توبه / ۳۳.



ریحانه ملکوت

فرا رسیدن ایام فاطمیه را با عرض ارادتی به ساحت
قدسی آن بانوی بی‌کرانگی نورانی می‌کنیم:

السلام علی فاطمة و آبیها، و بعلها و بنیها و السر المستودع
فیها بعدد ما احاط به علمك

ریحانه ملکوت، نام کتابی پیرامون مقامات نورانی
حضرت صدیقه طاهره، بحر القدره و العصمه و القداسه
و العلم ﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ﴾، مشکوة انوار الهیه
(مثل نوره کمشکوه)، صدیقه الکبری، انسیة الحورا،
فاطمه الزهراء علیها السلام که در هشت گفتار تنظیم شده و انتشار
یافته است.

عباراتی از آن کتاب:

همان خدایی که منصب نبوت ختمیه را به حضرت
ختمی مرتبت و منصب ولایت کلیه را به حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام عنایت نموده مقام عصمت کبری و
قدسیت عظمی را به حضرت زهرا کرامت فرموده است و او
را بحر نامیده است.

پشتوانه این مطلب آیات و روایات است... آری خداوند
دستگاهی در علم و قدرت و تمام این شئون در دنیا و
آخرت به او داده است که امیرالمؤمنین علیه السلام به او افتخار
می‌کند و می‌فرماید:



ولی الفخر علی الناس بفاطمه و بنیها

ثم فخری برسول الله اذ زوجنیها

من افتخار می‌کنم که همسر من فاطمه است و از او فرزند
دارم و رسول الله او را برای من تزویج نموده است!

طمطام علم و عقل، ناموس سرحق

ناموس مرتضی، خاتون ما خلق

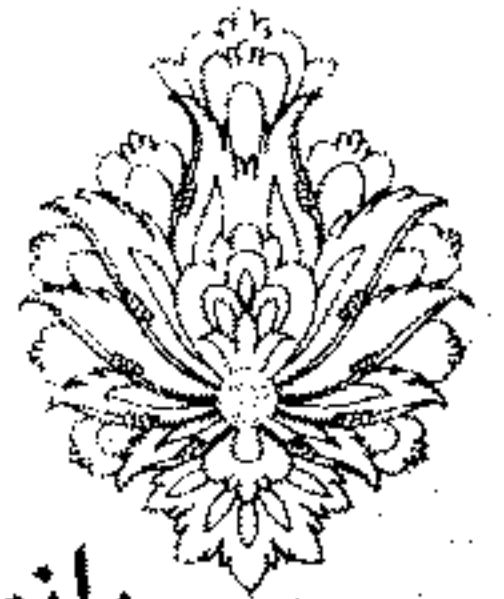
برده به اوج جاه از انبیا سبق

بگرفته مهر و ماه از طلعتش شفق

معرفت و شناخت او مکمل معرفت نبوت و امامت است
بدون شناخت او معرفت ناقص است: "علی معرفتها دارت
القرون الاولی": این فرمایش امام صادق علیه السلام است...

صلی الله علیها و علی ابیها و بعلها و بنیها...

۱. فاطمة الزهراء علیها السلام بهجة قلب المصطفى صلی الله علیه و آله (مترجم) ص ۱۲۰.



بانوی بی‌کرانگی

ولادت باسعادت بانوی بی‌کرانگی، زهره زهرای آفرینش، همتای حیدر، دخت خیرالبشر، ام الائمه، بانوی بانوان جهان (سیده‌نساءالعالمین) بر پور گرانقدرش حضرت صاحب‌الزمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى مَرَجَةَ الشَّرِيفِ و همه ارادتمندان آستان با شکوهش مبارک و تهنیت باد.

پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به عبدالرحمن بن عوف فرمودند:

اگر نیکویی را شکلی می‌بود، آن حتماً فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام می‌بود. بلکه او بالاتر از آن بود. همانا دخترم عَلَيْهَا السَّلَام برترین زمینیان است چه از لحاظ عنصری و چه از حیث شرافت و کرامت.

لو كان الحسن هيئة لكانت فاطمة بل هي أعظم إن فاطمة عليها السلام ابنتي خير أهل الأرض عنصراً و شرفاً و كراماً مقام مریم از مریم اگر پرسی همی‌گوید:

مرا فخر و شرف این بس که باشم از کنیزانش!
اگر من مام یک عیسی، دو عیسی راست او مادرا!
چه عیسایی که هریک را دو صد عیساست قربانش!
مقام بوذرش را "پور آزر" آرزو کرده،

سلیمان با همه حشمت بود محتاج سلمانش!
هم رسالت و امدار زهراست هم ولایت. علم امامان معصوم هم از ناحیه پدرشان است و هم مادرشان. آنچه از صحیفه مادرشان آموخته‌اند کمتر از علومی که از امیرالمؤمنین ستانده‌اند نیست. آنها در ناملايمات به مادرشان متوسل بوده‌اند و اوست صاحب شفاعت در عرصات محشر و اوست بانوی بی‌کرانگی...

منتظران را مژده دهید که شفابخش دل زهرای اطهر خواهد آمد....

۱. کتاب مئة منقبة، صد منقبت: مقبت ۶۷ ص: ۱۳۵ و ۱۳۶ تألیف ابن شاذان قمی قرن چهارم هجری قمری به نقل از مصادر اهل سنت.



شاهد بقیع!

سلام بر بقیع که شاهد مظلومیت آل الله است در طول چهارده قرن جفا و ستم...

باورت نیست وقتی به یکباره خود را در مدینه می بینی
آخرین روز بهار، هنوز در صد متری روضه نورانی نبوی،
فرزندان پیامبر را در غربت و مظلومیت بینی، بر
مزارهاشان تنها سنگی و نگهبانان شقی مانع زیارت و
سلامی و افشاندن حتی قطره اشکی....

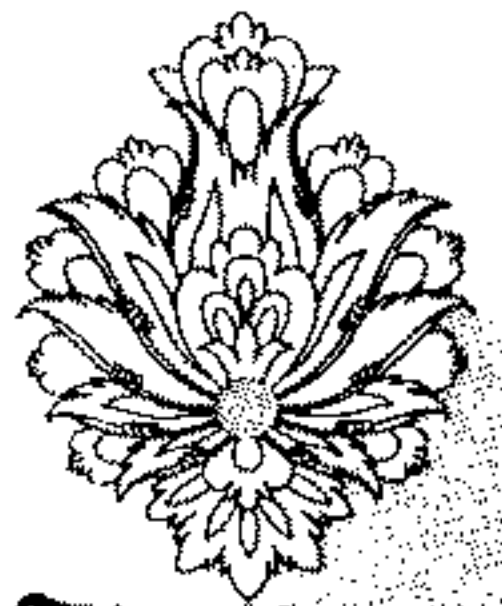
اف بر دل های سیاه و عقل های محجوب و ذهن های
فرورفته در جهالت که به اسم جلوگیری از شرک، با اصل
توحید به مبارزه برخاسته اند. از کی بوسیدن پای کفار
برای نجات از تیغ صدام و کشاندن لشکر ابرهه آمریکا به
منطقه و کشتن مردم معترض و پناه به طاغیان مستبد،
توحید نام گرفته است و سلام و درود و زیارت فرزندان
پیامبر خدا شرک!؟

اینجا از کنار بقیع با قلبی شکسته و اندوهبار و
چشمی گریان، خدایا شهادت می دهم که از این همه
شرک بیزارم.

شهادت می دهم که قلب و روحم با آل الله است و دین
و اعتقادم، آموزه های آنان. شهادت می دهم که آنانند
امنای رحمن و منار تقوی و اصول دین و معلمان قرآن
و اسوه های ایمان. شهادت می دهم ظلم طاغیان را بر
جگر گوشه های حبیب تو در کنار روضه منورش در مدینه
مظلوم...

و مویه می کنم همینجا به آستان ربوبیت که:

برسانی منتقم خونشان را که پایان دهد عصر شقاوت را و
آورد روزگار عزت شان را...



رجب، جمیع خیر

رجب هم از راه رسید و بوی پیراهن یوسف به مشام رسید... مگر نه که هر شب و روزش در تعقیبات هر فریضه، "کل خیر" را زمزمه کردیم و رجای خود را به محضر قاضی الحاجات فریاد نمودیم که:

يا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ ... أَعْطِنِي بِمَسْئَلَتِي اِيَّاكَ، جَمِيعَ خَيْرِ الدُّنْيَا وَجَمِيعَ خَيْرِ الْآخِرَةِ ...

ای که "همه خیر" را از تو امید دارم... خواهسته‌ام را عطا کن: جمیع همه خیرات دنیا و خیرات آخرت را...

آن وجود مسعود که جامع همه خیرات دنیا و عقباست را می‌جویم، او را عطایم کن!

نه که بوی پیراهنش را از همین نزدیکی‌ها، یعنی از شعبان احساس می‌کنم!؟

از نیمه رجب تا نیمه شعبان راهی نیست... از مولود کعبه تا آغاز گریام از کعبه...

از الگوی عدالت (امیرالمؤمنین) تا تحقق بخش عدالت (خاتم‌الوصیین)... از علی تا مهدی!

روزان و شبان رجب را با آن "خیر مطلق" همراهیم که شمیم پیراهنش جانمان را هوایی کرده است!

ما از هم اکنون عزم شعبان کرده‌ایم، آن جامع و جمیع خیر را به ما برسان!

ای یوسف خوشنام ما، ای دلبر و مقصود ما، ای قبله و مقصود ما

خوش می‌روی بر بام ما، در گل بمانده پای ما، نظاره کن بر حال ما...

يا بِنِ الْحَسَنِ، رُوحِي فِدَاكَ ... مَتَى تَرَانَا وَنَرَاكَ^۲

۱. دعای ماه رجب.

۲. مفاتیح الجنان، دعای ندبه.



امام هادی و میراث هدایت

شهادت مظلومانه پیشوای هدایت و ذخیره ولایت حضرت علی بن محمد النقی امام هادی علیه السلام، در نخستین روزهای ماه رجب، به آستان ملکوتی نواده بزرگوارش امام حجة بن الحسن العسکری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و همه مشتاقان آستان ولایت تسلیت و تعزیت باد.

ثمره سی و چهار سال امامت و هدایت پیشوای دهم و معصوم دوازدهم (ثلث قرن) در سخت‌ترین و تاریک‌ترین دوران‌های عصر نفاق و جهل و زیر شدیدترین آزارها و حصرها و تبعیدها (که شش خلیفه عباسی برای آن حضرت تدارک دیده بودند تا مانع نور افشانی و درخشش آن خورشید تابناک شوند)، میراثی از معرفت و هدایت فراروی بشریت نهاد که برای همیشه چراغ راه هدایت جویان تاریخ بوده و خواهد بود.

شاکله فکر و فرهنگ ولایی و شیعی مرهون میراث حدیثی آن بزرگوار است که شامل معارف اعتقادی و تفسیر و تاریخ و احکام و مناظره است که بخشی از آن امروز در مجموعه گران‌سنگ "مسند امام هادی علیه السلام" در دسترس پژوهشگران است. والاترین رساله در معرفی مقام شامخ امام یعنی "زیارت جامعه" و عمیق‌ترین قرائت از امامت و غدیر یعنی "زیارت غدیریه" و رساترین سند اثباتی در مفاهیم توحیدی و اثبات مکتب عدل یعنی "رساله ردّ جبر و تفویض" از یادگارهای آن امام همام است که تلالو آن پایدار و همیشگی است.



شیوه و سنت زیبای تصحیح اندیشه با عرضه اعتقادات خویش به امام دوران در حدیثی که ناقلش حضرت عبدالعظیم حسنی است از دیگر یادگارهای امام هادی علیه السلام است که شیوه نامه‌ای متین و جاودانی است.

تعلیم مرزبانی از برج و باروهای اعتقادی و تکریم مرزبانان، از دیگر یادگارهای آن بزرگوار است: تعظیم فوق‌العاده و شگفت‌انگیز آن حضرت از عالمی که در مناظره علمی بر مخالفان فائق آمده بود (و پاسخ به حاسدان که: چگونه او را بزرگ ندارم که خدایش بزرگ داشته است...) نشان از تأکید بر مرزبانی دین توسط همگان در همه اعصار است.

زمینه‌سازی برای مهدویت و آماده ساختن مردم برای عصر غیبت با گشایش باب نیابت و تمهید ولادت حضرت مهدی با تزویج شگفت‌شهرزاده رومی نرجس‌خاتون و حضرت عسکری و بیان اشتیاق برای دیدار آن حجت خدا - که متأسفانه به دلیل شهادتشان توسط زهر عباسیان در ۴۲ سالگی میسر نشد - از نقش عظیم آن حضرت برای رقم زدن آینده درخشان تاریخ با ظهور موعود آسمانی و عدالت گستر جهانی، حکایت دارد.

بعثت رشک ملایک

بیش از چهارده قرن از بعثت حضرت ختمی مرتبت، سرور کائنات، سید لولاک لما خلقت الافلاک، دردانه آفرینش و شمع جمع اهل خرد و بینش، حبیب رب العالمین و آخرین گزیده مرسل المرسلین، ابوالقاسم محمد مصطفی صلوات الله علیه و علی آله المجتبی، می‌گذرد و هر روز نام شریفش و دین قویمش در جهان بلند آوازه‌تر و پر طرفدارتر می‌شود...

دو میلیارد انسان هر روز ده بار در آیین‌های عبادی پنج نماز بر او درود می‌فرستند و در طول روز بی‌شمار با صلوات بر او دهان خود معطر می‌کنند و به خدای خویش تقرب می‌جویند و با تاسی به سیره و سنت شریفش زندگی را رسم و رنگ و سمت و سوی مسلمانی می‌دهند...

بر او باد همواره و همیشه درود و سلام فرشتگان و مقربان حق...

طول این سالیان، بسیار ابلیسان تلاش در اطفای نور او داشتند اما خود خاموش شدند و خداوند نورش را کامل‌تر نمود چنان‌که در دین و آیین او گروه گروه داخل شدند و می‌شوند و خواهند شد اگر چه بر معاندان خوش نیاید!

و این در حالی است که هنوز بسیار جلوه‌های زیباتر از آیین او متجلی نشده و بر همه اقطار سایه نیفکنده و وعده خدا بر اظهار دینش بر تمامی جهان محقق نشده که اگر با ظهور فرزند برومندش حضرت قائم چنین شود کسی بر زمین جز پرستش‌گر خدا نخواهد بود و سراسر گیتی از نور و عدل مالا مال خواهد شد... چون از کرامت الهی رنگ و بوی محمدی داریم باید آماده شویم تا با یآوری فرزندش مهدوی شویم و زمینه‌ساز ظهورش باشیم و در زادروزش به نیمه شعبان، جشن شادی و شور و معرفت به پا کنیم تا آسمانیان از این شور و شعور و شعار بر ما رشک برند و کروبیان و ملکوتیان برای تبرک بال بر این مکانها بسایند و به خدا تقرب جویند.



مصباح الهدی

مجموعه مرزبان‌های مهدوی

گویاترین اتیکت برای او این دو عبارت است: "مشعل هدایت" و "کشتی نجات"...

این عنوانی بود که نیای بزرگوارش برای او تعیین فرمود: "مصباح الهدی" و سفینه النجاة آنجا که فرمود:

إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ ...

لازم نیست مسلمان باشی تا شیفته او گردی، این گاندی رهبر انقلاب هند بود که گفت: "نجات ملت هند از چنگال استعمار انگلیس را مدیون حسینم که از او سرمشق گرفتم" یا سخن افواج انسانهای آزاده جهان که در برابر مرام و راه و قیامش سر تعظیم فرود آورده و می‌آورند، مسیحی باشند یا یهودی، دیندار یا بی‌اعتقاد، قدیمی یا امروزمین که فرمود:

"اگر دین ندارید و از رستاخیز نمی‌هراسید، در دنیای خود آزاده باشید!"^۱

آب را بر او بستند و او آب را بر دشمن خویش نبست، روشنگری و هدایت را تا آخرین لحظه ترك نکرد، قیام را بر یارانش اجبار ننمود، معلم توحید بود و مشعل آزادی و مبلغ آموزه‌های وحی جانشین رسول الله و امام معصوم و حجت الاهی و امیر عدالت شعار و باب نجات امت و

۱. آنچه در متون دست اول آمده: «إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ فِي السَّمَاءِ أَكْبَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عَنْ يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِصْبَاحُ هُدَى وَ سَفِينَةُ نَجَاةٍ. (عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۵۹ - ۶۴).

۲. إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَاراً فِي دُنْيَاكُمْ بِحَارِ الْأَنْوَارِ، ج ۴۵، ص ۵۱.



آقای جوانان بهشت... آنگاه که لازم بود سکوت کرد و به هنگام ضرورت قیام نمود و فرمود:

إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَىٰ... برای اصلاح امور امت جدم قیام نمودم...

نزدیک چهارده قرن است که عاشورایش شور و شعور آفریده است و پیامش همچنان بر تارک تاریخ انسانیت می درخشد.

ای بنده خالص الاهی! جان من و پدر و مادر و خاندانم به فدای شما باد...

نام و یاد و راهتان را هر جا که باشیم با رنگ سرخ و سیاه و با زبان و قلم و عمل زنده می داریم ای خونبهای الاهی "یا ثارالله"...

۱. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.



قمر نورانی!

همیشه الگوها نقشی بزرگ ایفا می‌کنند برای آنان که رونده
 راهند و پوینده هدف، به‌ویژه آرمانهای والا و اهداف
 نورانی و برنامه‌های مقدس... در مسیر یآوری دین خدا
 و امام هدی، آنکه صدر نشین قله یآوری است و الگوی
 همیشه نصرت دین نبوی و طریقه علوی است و چراغ
 تابناک شجاعت، اخلاص، ادب و جوانمردی است
 حضرت عباس بن علی علیه السلام است، ماه منیر بنی‌هاشم،
 میر سپاه سیدالشهداء، پور رشید اسدالله الغالب علی بن
 ابیطالب علیهم صلوات الله الملك القادر...

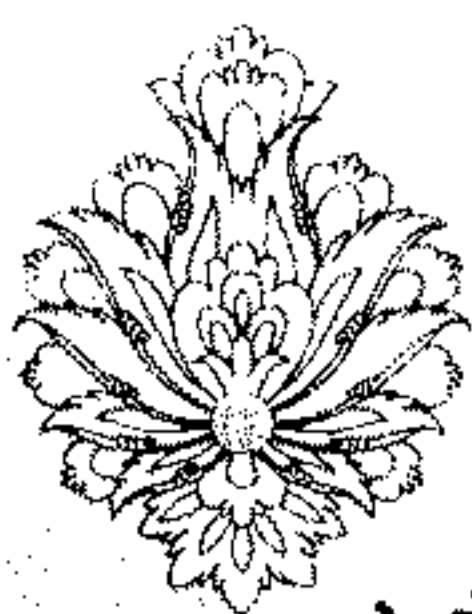
آن چنان در آزمون یآوری امام درخشید که حجة الله، مدال
 "رحم الله عمی العباس" اش بخشید و در راس انصاری جا
 گرفت که تا ابد همه زائران کوی دوست در مدحشان "بابی
 انتم و امی تبتم" خوانند و "یالیتنا کنا معکم" گویند...
 چرا که اسطوره و ضرب المثل شد حماسه او در یآوری
 دینش و امام زمانش آنجا که فرمود:

والله ان قطعتموا یمینی انی احامی ابداعن دینی
 وعن امام صادق الیقینی نجل النبی المصطفی الامینی

که سر و دست و چشم و جان به فدای حجت حق و
 امام انس و جان... الگوست برای مدافعان و یاوران
 امروزین دین خدا و ناصران امام مبین و کهف حصین
 و معزالمؤمنین و مدل الکافرین و محیی شریعه رب
 العالمین که این یاور در راه این یآوری حاضر به ایثار
 دست است و چشم و جان و برزباننش "سیدی و مولای" تا
 به رسم سقایت به کام دور افتادگان از حریم امام جرعه‌ای

۱. زیارت عاشورا.

۲. زیارت ششم حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام.



از زلال معرفت بنوشاند و طریقه جانبازی بیاموزد و خود
را فدای آرمان والای رسالت و امامت کند و به جاودانگی
پیوند زند...

هماره برای یآوری امام، مشعل راه ماست آن قمر نورانی
برای یاری آن یوسف کنعانی!
تاج شهیدان همه عالمی'

دست علی، ماه بنی هاشمی
هم قدم و قافله سالار عشق

ساقی عشاق و علمدار عشق
سرور و سالار سپاه حسین

داده سرو دست به راه حسین
عم امام و اخ و ابن امام

حضرت عباس رضی الله عنه
ای علم کفر نگون ساخته

پرچم اسلام برافراخته
مکتب تو مکتب عشق و وفاست

درس الفبای تو صدق و صفاست
شمع شده، آب شده، سوخته

روح ادب را، ادب آموخته
آب فرات از ادب توست مات

موج زند اشک به چشم فرات
یاد حسین و لب عطشان او

و آن لب خشکیده طفلان او
ساقی کوثر پدرت مرتضی است

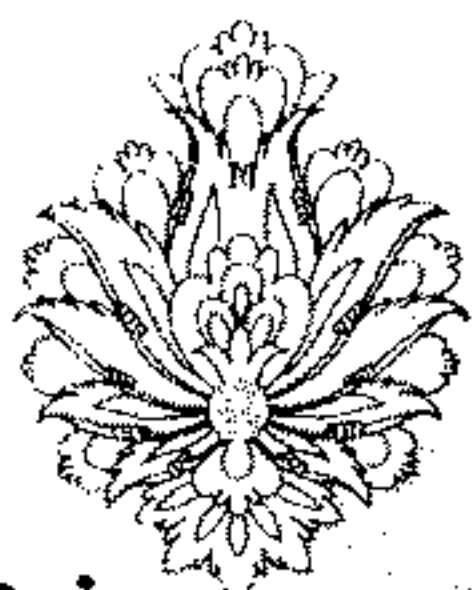
کار تو سقایی کرب و بلاست
هر که به دردی به غمی شد دچار

گوید اگر یکصد وسی و سه بار
ای علم افراشته در عالمین

اکشف یا کاشف کرب الحسین
از کرم و لطف جوابش دهی

تشنه اگر آمده آبش دهی...
تشنه اگر آمده آبش دهی...

۱. شعر از محمدعلی ریاضی یزدی.



زینت عابدان و سالار ساجدان

فرهیختگان او را سالار ساجدان و زینت عابدان و مولای نیایش‌گران و زیباترین روح پرستنده نام نهاده‌اند.

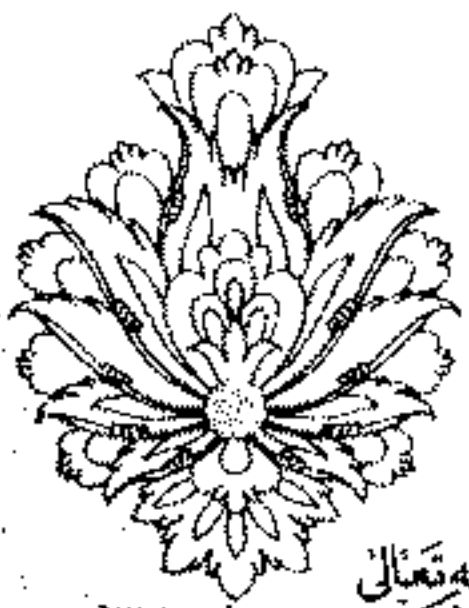
اما این کلمات برای فضائل بی شمارش کافی نیست... حضرت علی بن الحسین امام سجاد علیه السلام، حلقه اتصال امامت پس از فاجعه کربلا از امامان پیشین به امامان پس از خویش تا حجت منتظر عجل الله تعالی فرجه الترتیب بوده‌اند.

از آن بزرگوار است "انجیل اهل البیت" یا "زبور آل محمد" یعنی صحیفه سجادیه، که آشناترین کتاب پس از قرآن و نهج البلاغه در مجموعه میراث فرهنگی شیعی است. پنجاه و چهار نیایش والا از آن میراث به دست ما رسیده اگر چه محققان در مستدرکات صحیفه، مجموعه دعا‌های ایشان را دویست و هفتاد دعا گرد آورده‌اند.

عالم اهل سنت ابن جوزی گفته است: اگر زین العابدین و صحیفه او نبود، مسلمانان راه و روش مخاطبه با خدا و مکالمه و رازگویی در مقام عرض حاجت به بارگاه ربوبی را نمی‌دانستند و او بود که شیوه گفتگو با آفریدگار بزرگ و شکوه بردن در سختی‌ها و گرفتاری‌ها به پیشگاه او را به ما آدمیان آموخت. «بنابراین، او نسبت به مردم تا روز رستاخیز، حق آموختن و آگاهاندن را دارد.»

سیدالساجدین امام زین العابدین علیه السلام در مورد شرایط سخت دوران غیبت فرمود: ای اباخالد! به راستی (در دوران غیبت) فتنه‌هایی همچون قطعه‌های شب تار هجوم می‌آورد که از آن جز کسانی که خدا از آنها پیمان گرفته رهایی نمی‌یابد. همانها چراغهای هدایت و سرچشمه علمند، که خداوند آنها را از هر فتنه تاریک نجات می‌بخشد.^۱

۱. «یا اباخالد لتأتین فتن کقطع اللیل المظلم لا ینجو الا من أخذ الله میثاقه اولئک مصابیح الهدی و ینابیع العلم ینجیهم الله من کل فتنة مظلمة؛ بحار الانوار، همان، ج ۵۱، ص ۱۳۵، روایت ۳.



و همچنین فرمود: کسی که در زمان غیبت قائم ما عَلَيْهِ السَّلَامُ عَزَّ وَجَلَّ بر ولایت ما ثابت و استوار بماند، خداوند به او پاداش هزار شهید مثل شهیدان بدر و احد عطا می‌فرماید.^۱ و نیز در مورد انتظار راستین و آثار گرانبهای آن فرمودند: "انتظار فرج از برترین اعمال است"^۲

و فرمود: «اهل زمان غیبت او که قائل به امامت او و منتظر ظهور او باشند، برتر از مردمان هر زمان دیگر می‌باشند، زیرا خدای تبارک و تعالی به آنها آن قدر عقل، فهم و شناخت عطا فرموده است که غیبت امام در پیش آنها چون زمان حضور شده است. خداوند اهل آن زمان را همانند مجاهدانی قرار داده که در محضر رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شمشیر بزنند، آنها مخلصان حقیقی و شیعیان واقعی و دعوت‌کنندگان به دین خدا در آشکار و نهان می‌باشند.»^۳

طنطاوی صاحب تفسیر الجواهر و مفتی اسکندریه مصر نیز گفته است: کتاب صحیفه از سخنان امام زاهد اسلام، علی زین العابدین بن امام حسین شهید عَلَيْهِ السَّلَامُ ریحانه مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به دستم رسید. "... کتاب را با دست تکریم گرفتم و آن را کتابی یگانه یافتم که مشتمل بر علوم و معارف و حکمت‌هایی است که در غیر آن یافت نمی‌شود. به راستی که این از بدبختی ماست که تا کنون بر این اثر گرانبهای جاوید که از میراث‌های نبوت و اهل بیت است، دست نیافته بودیم، من هر چه در آن مطالعه و دقت می‌کنم، آن را از گفتار مخلوق برتر و از کلام خالق پایین‌تر می‌یابم راستی چه کتاب کریمی است!" به نقل از مقدمه کتاب «صحیفه سجدیه» با مقدمه آیه‌الله مرعشی.^۴ صحیفه سجدیه نخستین بار توسط ویلیام چیتیک به زبان انگلیسی نیز ترجمه شده است.

۱. مَنْ ثَبَّتَ عَلَيَّ وَ لَآئِنَا فِي غَيْبَةِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِثْلِ شَهِيدِ بَدْرٍ وَ أُحُدٍ. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۵.

۲. «انتظارُ الفرجِ منَ أعظمِ العَمَلِ»؛ منتخب الاثر، ص ۲۴۴.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، منتخب الاثر، ص ۲۴۴.

۴. طبع سال ۱۳۶۹، هجری قمری و ترجمه آقای سیدصدرالدین بلاغی، دارالکتب الاسلامیه، شیخ محمد آخوندی، ص ۳۷ و ص ۳۸.



حماسه میلاد نوسازی پیمان

بار دیگر موسم میلاد "جانان" رسید و ناخود آگاه، بیان و قلم "هوایی" شدند!

می آید آن که جهان چشم به راه اوست و برای آمدنش هر صبح و شام دیده‌های مشتاقان به افق دوخته شده است. می آید آن که نوید آمدنش قرن‌هاست روح امید را در جان‌ها، فروزان نگاه داشته است... می آید آن که آمدنی است؛ دوست داشتنی است؛ بهترین است؛ زیباترین است...

"نیمه شعبان که می‌رسد، بیان و سخن، اوج می‌گیرد و قلم بی‌تابی می‌کند تا از او بگوید و زیبایی‌هایش؛ او و کمالاتش؛ او و غیبت جانسوزش؛ او و آمدن پرشکوهش؛ او و مهربانی‌هایش؛ غم‌هایش؛ قنوت‌هایش؛ گریه‌هایش؛ دعاهایش و دستگیری‌هایش.

به خدا، دل این مردم هوایی اوست. از هر کس ببرند، از او نخواهند برید که پیوند با او بریدنی نیست...

در نهانخانه دل، یاد او جاری است و در رگ‌ها عشق او ساری.

خدایا چه حکایتی است این حکایت. حماسه موعود چگونه همه قلب‌ها را فتح نموده است؟

انسان باشی، در هر سرزمینی، شهری، روستایی، مسیحی یا مسلمان، کلیمی یا ترسا، شرقی یا غربی، نام "موعود" بر جانت شرار مهر می‌ریزد و روح امید می‌دمد و حماسه می‌آفریند...



دوستت داریم موعود جان‌ها؛ کی می‌آیی آقای دوران‌ها؛ چشم به راه توایم امیر خوبی‌ها و پاکی‌ها و دادها و برابری‌ها؟

این حماسه فراگیر بوده است و خواهد بود، پدران و مادران ما را برآن پروردند و اساتید آن را بالنده‌تر نمودند و ساز و کار "مهدوی" آن را در جامعه نهادینه کرد آنگونه که امروز دعای فرج بر لب‌های کمتر کسی هست که نیست... خدایا نکند نامهربانی‌های دوستان و طعنه‌های دشمنان ما را از او جدا کند؟!؟

خدایا نکند، دغدغه‌های دنیوی، عافیت طلبی و حرص و آرز، زراندوزی و رفاه و مقام، پیوند ما را با او قطع نماید؟!؟ خدایا نکند بهانه‌های واهی، توفیق خدمتگزاری را از ما سلب نماید؟!؟

خدایا نکند از درگاهش رانده شویم و دیگران گوی سبقت را در عرصه‌های خدمت به او از ما بربایند؟!؟

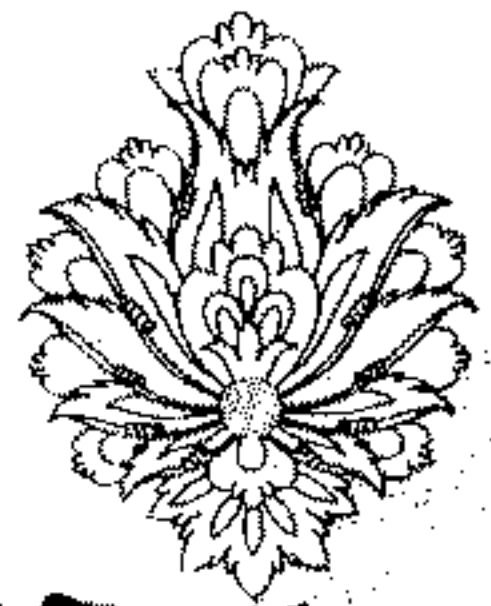
به خدا از "حسین" تا "مهدی" راهی نیست... شب عاشورای منتظران، طول دوران غیبت است، دعوت مهدوی را برای نصرت، لبیک گویند و برای خدمت به برنامه قیام آماده باشند. اگر چنین باشند فرزند حسین بر آنها لبخند خواهد زد و لبخند ولی خدا چه شیرین و نمکین است. قربان لبخندهایت؛ قربان قرآن خواندنت؛ قربان دعاهايت؛ ما هم با او بخوانیم:

اللهم انجزلی ما وعدتني؛

اللهم عجل لولیک الفرج،

اللهم عجل لولیک الفرج...

۱. «اللهم انجزلی ما وعدتني». بار الها! آنچه به من وعده فرمودی، امضا بفرما. (اعیان الشیعه، جلد حضرت مهدی، ص ۱۰۵).



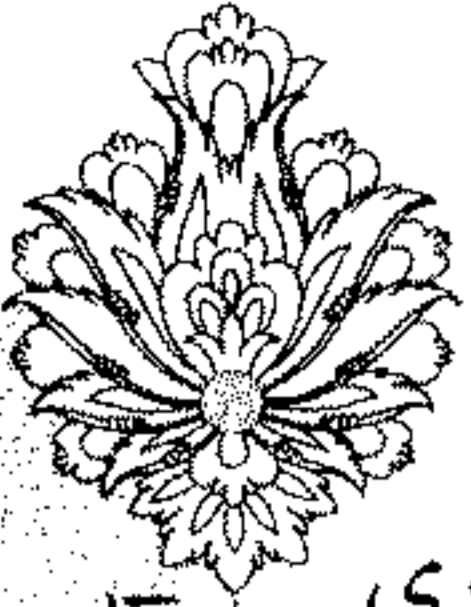
حماسه جشن‌های میلاد

نیمه شعبان عید میلاد حضرت صاحب الزمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَةَ الشَّرِيفِ امسال نیز با شکوه فراوان در سراسر میهن و نیز فراسوی مرزها در دیگر کانون‌های موعود خواهان منتظر برگزار شد...

این جشن‌ها و همایش‌ها و بزرگداشت‌ها و جوشش‌ها و خروش‌ها و حماسه‌ها، دارای آن چنان اهمیتی است که در کلمات نمی‌گنجد زیرا مربوط است به بزرگترین امیر و راهنمای الهی در این دوران، عصاره خلقت و گزیده عترت حضرت حجت عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَةَ الشَّرِيفِ که تکریم و بزرگداشت او، بزرگداشت همه ارزش‌های الهی و اولیای ربانی و شرایع تاریخ و رسالت‌های جاوید از آغاز خلقت تا عصر حاضر است...

بایسته است شیعیان منتظر از هفته‌ها قبل از میلاد خود را برای برگزاری این حماسه پرشکوه آماده کنند و به تمهید مقدمات پردازند و فردی و گروهی برای جشن‌های به یاد ماندنی، برنامه‌ریزی نمایند و سپس اجرای آن را با نظم و جدیت فراوان شروع نموده هیچ کجا را از این حماسه خالی نگذارند...

در مورد این حماسه باشکوه، خادمان صاحب الزمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَةَ الشَّرِيفِ هر ساله پیشتازی نموده و از دیرباز مبتکر برگزاری جشن‌های معرفتی و محتوا محور در نقاط کشور بوده‌اند: سخنرانی‌های مفهومی، نمایشگاه‌های کتاب، نمایشگاه‌های موضوعی، تئاتر، نور و صداها، پاسخ‌دهی‌های متنوع، برنامه میزگردها، غرفه‌های هنری و محتوایی، نمایشگاه‌های آثار هنرهای



تجسمی، چاپ کتاب‌ها و جزوه‌ها و بروشورها و برگزاری مسابقات متنوع و... از جمله آنهاست.

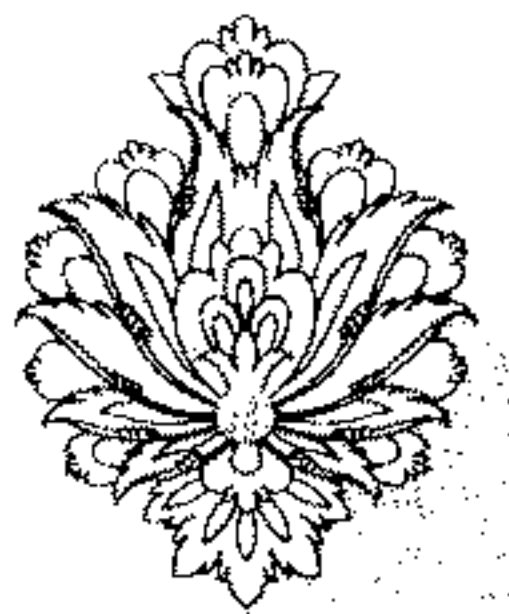
این حماسه‌ها بیش از آنکه موجب تقویت روحیه منتظران در این آیین‌های باشکوه می‌شود، تیرهایی است که بر چشم منکران و بدخواهان مهدویت - از جمله فرقه ضاله - نشسته و می‌نشیند و خشم آنها را بر می‌انگیزد چنانکه در گذشته که قدرت داشتند به انواع طرق سعی می‌کردند از این جشن‌ها جلوگیری نموده مانع برگزاری شکوهمند آن باشند. امروز نیز برگزاری شکوهمند جشن‌های نیمه شعبان با همین اهمیت و بلکه بیشتر از قبل نقشه‌های آنها را نقش بر آب می‌نماید و دعوی باطل آنها را مبنی بر گذشتن دوران قائم، رسوا می‌سازد...

این است که باید هر سال بیشتر از سال قبل با تمام توان و بلکه جان حماسه‌های جشن‌های پر شکوه میلاد صاحب‌الزمان را در سراسر جهان برقرار نمود و نام پر عظمت آن عزیز را در هر خانه و کوی و برزن و خیابان و میدان شهر بلند آوازه ساخت تا همه بدانند منتظران آستانش در هر کوی و برزن حاضرند و جان بر کف آماده‌اند...

تا نگویند اسیران کمند آن عزیز زهرا اندک‌اند و کم‌اند!!

عجل اللهم لنا فرجه و ظهوره

و ارنا طلعتة الرشیده و غرته الحمیده...



می آید او

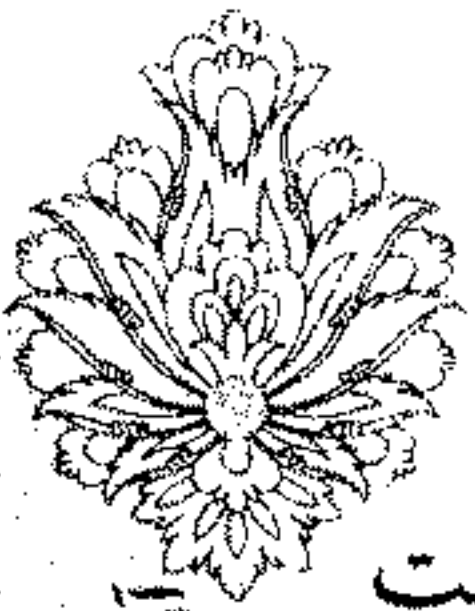
این روزها، روزهای شادمانی و سرور است، جمعه است و روز امام عصر ارواحنا فداه، سوم شعبان است و میلاد سیدالشهدا، ایام ولادت ابوالفضایل قمر منیر بنی هاشم است و سیدالساجدین زین العابدین علیه السلام، و لحظاتی که شمیم عید اکبر نیمه شعبان ولادت صاحب الزمان ارواحنا فداه به مشام می‌رسد.

شادمانیم که افتخار ولایت‌شان را داریم و سعادت پیروی‌شان را، در دل مهرشان را و در سرهوایشان را.

مسرووریم که بر اسلام استواریم و بر تشیع پایدار؛ خرسندیم که شعارمان "یفرحون لفرحنا" است زیرا از طینت آنهایم نه از طینت دشمنان‌شان. فرحناک در شادی‌هاشان و مغموم در غمهاشان خلاصه از رگ و پی آنانیم، این است که دعایمان می‌کنند و هوای ما را دارند و بر همه اینها خرسندیم و شادمانیم و مسرووریم!

جز این سرور قلبی، دو وظیفه دیگر هم داریم: تعظیم شعائر و تبلیغ مقاصد. این تعظیم در برگزاری جشن‌هاست و همایش‌ها و چراغانی‌ها و گلباران‌ها و تزیین خانه‌ها و کوچه‌ها و میادین و معابر و مدارس و مساجد و محافل و دیگر تبلیغ معارف‌شان است در خطابه‌ها و منابر و رسانه‌های حضوری و غیرحضوری و مجازی، نوشتاری و گفتاری و هنری و تصویری.

چرا تبلیغ نکنیم که اهداف‌شان، همان چیزی است که همه انسان‌ها در سویدای فطرت طالب‌ آنند و مشتاق رسیدن به آن. چه کسی است که نخواهد سعادت‌مند و عاقبت به خیر شود و و خود و خانواده‌اش به سرمنزل مقصود برسد؟ آن هم نه دروغین که راستین. همه این



وجوه سعادت و خیر در کلام آنها که کلام وحی است آمده است و باید در این فرصت‌های شادمانی هم برای خود یادآوری کرد و هم به گوش دیگران رساند.

شیرینی پیام و سخن‌شان را باید هم برکام خود نشانند و هم برکام آنانکه نمی‌شناسندشان و لاجرم در غفلت‌اند یا حیرت، نه در هدایت بلکه در ضلالت و چه فرصتی زیباتر از این جشن‌ها برای رفاقت و انتقال معرفت؟

سالیانی است مصمم شده‌ایم از این شادمانی‌ها حسن استفاده را داشته باشیم که دست مردم را در دستان صاحبشان بگذاریم. صاحبی که صاحب الزمان است و امیر دوران، آقای آفرینش است و هادی خلاق، دوستدار انسانهاست و هادی و شافی دل‌ها و روح‌ها و جان‌ها.

یکی یکی گرد هم می‌آییم تا جمع شویم و این جمع با برنامه و نظم، برنامه‌هایی تدارک‌کنند و میهمانانی را بر سفره کرامت و معرفت مولامان، میهمان کنیم و دوستانی بر دوستانش بیفزاییم. این برکت شادمانی موالی ماست در شادترین ایام ماه شعبان از آغاز تا نیمه که به اوج خود خواهد رسید و بر قله شعائر ما خواهد ایستاد شعائری که در نیمه شعبان تعظیم و تکریم خواهد شد.

دوستان صاحب‌الزمان، بشتابید که هلال شعبان تا قرص قمرشود رسالت شما را رقم می‌زند، شب‌هایی است که خواب را جواب کنید که شبانه روز در کار هستید و تلاش تا میهمانان صاحب‌الزمان را خوب پذیرایی کرده باشید و به بهترین شیوه دلشان را با صاحبشان پیوند دهید و رشته مهرشان را با او برقرار یا محکم‌تر کنید.

گوارایتان باد این توفیق که کاری از این بالاتر در آفرینش نیست، از آغاز تا پایان جهان!



مشک فشان

اگر از شمیم روح انگیز شعبان، عطر جاودانه‌ای بر
مشامتان نشست، بخوانید:

"نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد"

و به هوش باشید این مشک فشانی جان عالم را جوان
می‌کند که:

"عالم پیردگر باره جوان خواهد شد!"

مگر سرخی شقایق - نشانی از خون مظلوم کربلا نیست
که سالها چشم نرگس، نگران اوست:

"ارغوان جام عقیقی به چمن خواهد داد

چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد"

نوید دهید بلبل را که تطاول‌های خزان و اندوه هجران به
پایان می‌رسد

و او فریاد زنان به استقبال بهاران می‌شتابد:

"آن تطاول که کشید از غم هجران بلبل

تا سرا پرده گل نعره زنان خواهد شد..."

حالیا شعبانیان، لحظه‌های مبارک این بزم ملکوتی
را از دست مدهید و این شب‌های قدر را فرو منهد تا
خدایتان طومار غیبت فرو پیچد و فرج را تحقق بخشد
و شما چشم براهان، "یارتان" را در رمضان - از آغاز تا
انجام - در آغوش گیرید و با او نماز و نیاز کنید:

"ماه شعبان مده از دست قدح، کاین خورشید

از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد...."



نگار می‌رسد

مشتاقان یوسف مصر وجود، این روزها به مصداق "آب زیند راه را زانکه نگار می‌رسد..." در یادمان‌های جشن‌های پرشکوه میلادش هم مسیر آمدنش را آب زده‌اند، هم شهر را آذین بسته‌اند هم فضا را نور افشانی کرده‌اند هم پنجره چشم‌ها را به دیدارش گشوده‌اند هم قلبها را به یادش حیاتی تازه بخشیده‌اند هم جوش و خروش به جان‌ها داده‌اند هم بر لب‌ها لبخند نشانده‌اند هم سرود وصال سر داده‌اند هم حماسه ظهور را فریاد کرده‌اند...

مهدویت، هویت ماست. اصل اصیل ادیان ابراهیمی است. باوری اسلامی است. آرمانی جهانی است. باید که این روزها که به میلاد نورانیش نزدیک می‌شویم سراز پا شناسیم و آن مسیحا نفس را از سویدای جان فریاد و فرجش را بلندتر از همیشه از خدایش طلب نماییم و دعا کنیم که آن مهربان نگار بیاید... شکوه عصر و سکاندار روزگار بیاید...

لحظه‌های ماه پیامبر-ماه شعبان- را با یاد او، نام او و دعا برای ظهور پیروز او جاودانی کنیم که گشایش خویشان ما نیز در این دعا نهفته است. خود او فرمود:

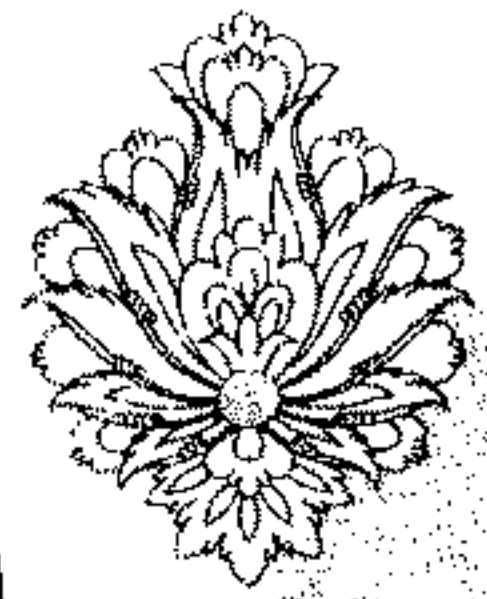
وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ...^۱

و آنگاه همه لحظه‌ها را در هر روز و ماه و سالی همین گونه باشیم و انتظار آمدنش را در وجود خویش نهادینه کنیم و صبح و شام، چشم به راه آمدنش باشیم که فرمودند:

فتوقعوا الفرج صباحا ومساءً...^۲

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۰.

۲. کمال الدین، ۳۳۹.



سلام بر رمضان

حجرت، مرزبانان، مهروری

باز هم رمضان میهمان دل‌های ما شد و ما میهمان
رمضان!

رمضان، ماه خدا، ماه قرآن، ماه قدر، ماه تقوی، ماه
رحمت، ماه فضیلت، ماه پرواز تا قله عبودیت...

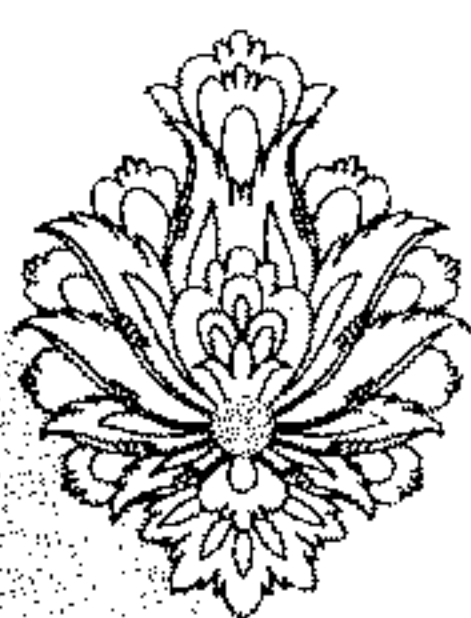
روزها و شب‌ها سرشار از یاد خدا، بر لب نوای قرآن یا ذکر
سبحان، در خدمت خلق خدا یا از بند دنیا رها در رکوع
و سجود و قنوت، در نطق و تفکر و سکوت، تنها یا در
جمع، دعای افطار یا نیایش سحر... اوج حضور معنویت
را با تمام وجود در رمضان‌ها لمس کرده‌ایم و خود را در
زالش شسته‌ایم...

رمضان را دوست داریم به خاطر همه زیبایی‌هایش:
قرآنش، شب‌های قدرش، نیایش‌های ویژه‌اش...
رمضان ماه ولایت است:

ماه مولی الموحدين و امام المتقين امیرالمؤمنین علی علیه السلام
و ماه بقية الله الاعظم صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که دعای
فرج (اللهم کن لولیک...) مهبطش شبهای قدر رمضان
است...

یادمان‌ها و مجالس در رمضان‌ها برای ما همواره بیاد
ماندنی بوده‌اند که با توبه و انابه و افتتاح و ابوحمزه و احیا
و پیوند با ولایت و دعای برفرج و دوام خدمتگزاری قرین
بوده است...

و تجدید پیمان برای برفراز داشتن پرچم انتظار و مرزبانی
تا برپایی آن حکومت آسمانی به دست آن یگانه دوران
حضرت مهدی صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که درود خدا بر او
باد هر لحظه و هر زمان...



ماه گشایش

ماه افتتاح و گشایش از راه رسید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الشَّنَاءَ بِحَمْدِكَ...

پروردگار شهرالله را در ملکوت نیایش افتتاح در هر شبش فریاد می‌کنیم:

اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعِزُّ بِهِ وَأَنْصُرُهُ وَأَنْتَصِرُ بِهِ وَأَنْصُرُهُ نَصْرًا عَزِيزًا
وَأَفْتَحُ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا...

گشایش گره‌های بسته، آرامش دل‌های خسته، نجات بخش انتظامات از هم گسسته، کشتی‌های به خاک نشسته...

کرامت کن ما را به خاطر آن وجود عاطر، بیش از آرزوهایمان ای بخشنده بخشایش‌گر:

وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ الْمُعْطِينَ!^۱
عطر خوشبوی رمضان از پنجره ملکوتی شعبان، گوارای وجود پاکتان باد!

می‌شود این رمضان، موعد فردا باشد؟

آخرین ماه صیام غم مولا باشد؟

می‌شود در شب قدرش به جهان مژده دهند

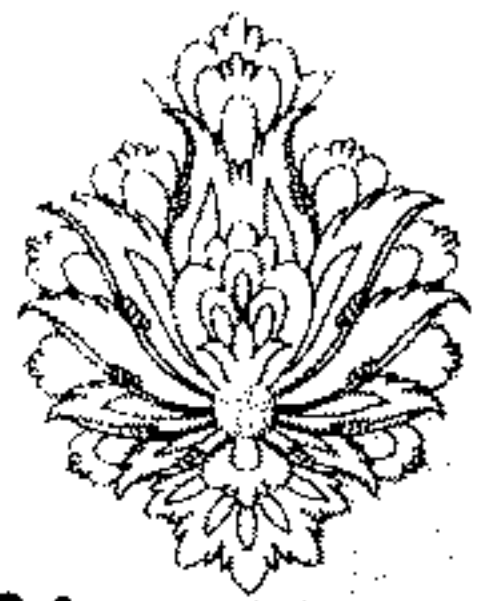
که همین سال، ظهور گل زهرا باشد؟...

ماه زیبا و دلنواز و ملکوتی خدا، ماه پاکی و عبودیت و نیایش، ماه افتتاح و ابوحمزه و سحر، ماه قرآن و دعا و قدر، با شبی برتر از هزار ماه و سراسر رحمت و مغفرت، ترنم سبوح قدوس در سرسرای لحظه‌هایش، گوش‌نواز آشنایان قدسیانش، برصاحب قدر و زمان، مولای شعبان و رمضان، امیر عدالت‌گستر جهان، و همه پویندگان تقوی در ضیافت نور و صیام و قرآن، مبارک باد!

۱. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

۲. همان.

۳. همان.



رمضان و انتظار

مجموعه مرزبان مهدوی

ماه رمضان را با انتظار، ارتباطی است وثیق و جدا نشدنی. از یکسو ماه قدر است و مقدرات کلی جهان از جمله تقدیر ظهور و فرج در این ماه رقم می خورد و از سوی ماه استغاثه است برای افتتاح و گشایش با دعای افتتاح و فرج که در این ماه نزول اجلال یافته اند و از دیگر سو در برخی روایات فرج را در رمضان نوید داده اند.

به هر حال بیش از هر ماه دیگر این ماه، ماه انتظار است و آمادگی و امید... حتی شاعری چون حافظ نیز از این لطیفه غافل نبوده و در پیوند ماه شعبان (ماه تولد صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ماه رمضان (ماه گشایش و فرج) طلوع خورشید را از هنگام رؤیت هلال تا عید رمضان نوید داده و انتظار را اینگونه نشان داده است:

ماه شعبان منه از دست قدح، کاین خورشید
از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد!

همین که موظفیم پس از هر نماز این ماه، با دعای "اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَيَّ أَهْلَ الْقُبُورِ السُّرُورَ..." برای همه فقیران جهان، غنا و برای همه بیماران، شفا و برای همه وامداران، آدا و برای همه گرسنگان، غذا و برای همه برهنگان، لباس و برای همه غریبان، بازگشت به وطن و برای همه اسیران، رهایی و برای کل مفاسد، اصلاح و برای همه سوء احوال، حسن احوال (که این شمولها با لفظ کُلِّ، نشان از همان گشایش فراگیر است که جز با ظهور و فرج، محقق نخواهد شد) طلب کنیم، نشانی دیگر از این ارتباط وثیق رمضان با صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد.

سخن را با فرازی از دعای افتتاح به پایان می بریم که:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ،
وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ،
وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...

۱. مفاتیح الجنان، دعای اللهم ادخل على أهل القبور السرور.
۲. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.



سالار جوانان و آخرالزمان!

نامش حسن و شهرتش مجتبی (برگزیده) و از سوی پیامبر اکرم ﷺ سالار جوانان بهشت (سید شباب اهل الجنة) و امام و پیشوا (الحسن و الحسين امامان قاما او قعدا) خوانده شده است.

این که این دو ریحانه و دُر دانه پیامبر برای همیشه امام باشند چه قیام کنند و چه سکوت نمایند، نشانگر آن است که در ظروف مختلف زمانی گاهی رهبری امام معصوم، مصلحت را در قیام و گاهی سکوت و عدم قیام تشخیص و دستور می دهد و در هر دو صورت وظیفه پیروان و مأمومین تبعیت و اطاعت محض است و هیچ اجتهادی در برابر امام پذیرفته نیست. صلح تاریخی کریم اهل البیت حضرت مجتبی و قیام شکوهمند حضرت سیدالشهداء علیه السلام، دو روی يك وظیفه تشریحی است که بنا بر حکمت الاهی و مصلحت انسان ها اتخاذ شده و بر مردم است اطاعت و پیروی که آنان امام اند چه قیام نمایند و چه نشسته باشند و سکوت کنند.

حضرت مجتبی نمونه کامل شجاعت و علم و حلم و سخاوت و کرامت و آینه کمالات جدّ و پدر و مادرشان بودند و در دشوارترین شرایط زمانه، سخت ترین تصمیم ها را اتخاذ فرمودند و با گزینش صلح از خونریزی مؤمنین جلوگیری فرمودند. دوران غیبت امام عصر ارواحنا فداه نیز بی شباهت به دوران ایشان نیست و خود آن حضرت در توجیه انگیزه صلح فرمودند:

"... آیا می دانید مقصود من چه بود؟ صلح من با معاویه از آن چه آفتاب بر آن می تابد و غروب می کند، برای شیعیانم

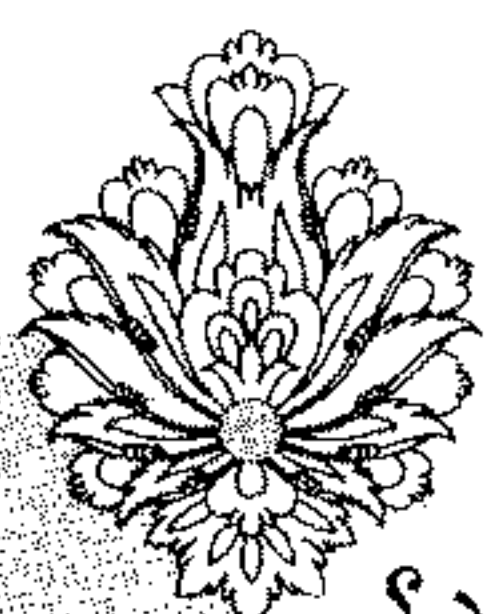


بهتر است. نمی‌دانید که من امام شما هستم و اطاعت از فرمانم برای شما واجب است و به فرموده رسول خدا ﷺ یکی از دو آقای اهل بهشت هستم؟ گفتند: می‌دانیم. فرمود: آیا نمی‌دانید، چون خضر علیه السلام کشتی را سوراخ کرد و آن بچه را به قتل رسانید و دیوار را استوار کرد، باعث خشم موسی بن عمران علیه السلام شد، زیرا که حکمت آن کار بر او پوشیده بود؛ ولی نزد خداوند، عمل خضر کار حکمت آمیز و درستی بود؟ آیا نمی‌دانید [چنین مقدر شده است] که هر یک از ما ائمه سازش با سلطان زمانش را به گردن می‌گیرد، جز قائم ما که عیسی روح الله پشت سر او نماز می‌گزارد و خداوند، ولادت او را از مردم پوشیده می‌دارد و خود وی از نظرها پنهان خواهد شد تا چون ظهور کند بیعت هیچ‌کس در گردن وی نماند [و مجبور نشود در برابر سلاطین زمانش سکوت و با آنها بیعت و سازش کند]. او نهمین فرزند برادرم حسین پسر فاطمه بانوی بانوان است. خداوند در طول غیبت، عمر او را طولانی گرداند! آن گاه با قدرت کامله خود به صورت جوانی که کمتر از چهل سال داشته باشد ظاهر کند. این برای اینست که همه بدانند خداوند بر همه چیز توانا است.^۱

و در مورد شرایط سخت آن روزگاران فرمود:

"لایکون الامر الذی تنتظرون حتی یبرء بعضکم من بعض و یتفل بعضکم فی وجوه بعض و یشهد بعضکم علی بعض بالکفر و یلعن بعضکم بعضا؛ این امر که فرارسیدن موعد آن را انتظار می‌کشید واقع نمی‌شود مگر بعد از آن که برخی از شما از برخی دیگر بیزاری بجوید، و برخی در صورت برخی آب دهان بیندازد و بعضی از شما بعضی دیگر را کافر بداند و یکدیگر را لعن کنند."

۱. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۶، ب ۲۹، ح ۲، کفایه الاثر، ص ۲۲۴.



عمیر می‌گوید: عرض کردم: چنین زمانی چه ارزشی دارد؟
امام علیه السلام فرمود:

"الخير كله في ذلك الزمان، يقوم قائمنا ويدفع ذلك كله؛
همه خیرها در آن زمانست، زیرا قائم ما قیام می‌کند و
همه این حوادث را از بین می‌برد."^۱

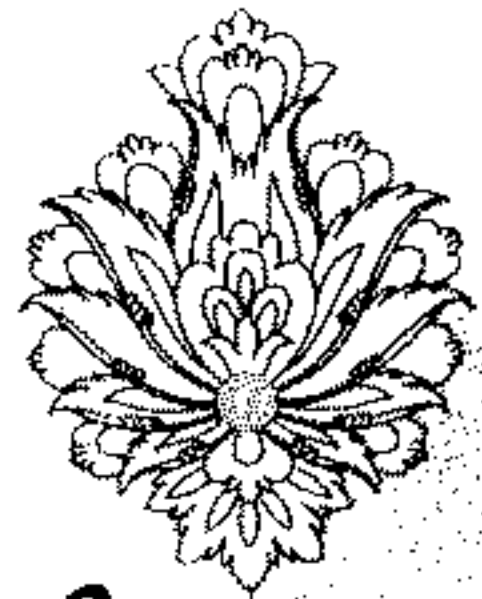
"تصطلح في ملكه السباع، و تخرج الارض نبتها، و تنزل
السماء برکتها و تظهر له الكنوز، يملك ما بين الخافقين،
فطوبى لمن ادرك ايامه و سمع كلامه.

خداوند در آخرالزمان مردی را مبعوث می‌گرداند تا مردم را
از فتنه و بلا و نادانی نجات دهد او را بر اهل زمین پیروز
گرداند و همه به رضایت یا کراهت مطیع او شوند. زمین
را از عدل و نور و برهان [و هدایت] پر می‌گرداند. تمام
اهل زمین تسلیم او می‌شوند و کافری باقی نمی‌ماند، جز
آنکه به او ایمان می‌آورد و شخص بد سرشت و ناپاک
یافت نخواهد شد، جز آنکه صالح و پرهیزگار می‌شوند.
درندگان در حکومت او در آرامش هستند و زمین، نباتات
خود را ظاهر و آسمان برکاتش را نازل می‌کند و گنج‌ها
برای او آشکار شوند و چهل سال بر شرق و غرب جهان
حکومت خواهد کرد، خوشا به حال کسی که او را در آن
روزها درک کند و سخنانش را بشنود!^۲

راستی چه سعادت بی‌نظیری است که انسان در شهر
حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف زندگی کند و هر روز در پشت
سر او اقتدا کرده فرائض دینی را انجام دهد و پرسش‌های
خود را بی واسطه از قبله مقصود و کعبه موعود بپرسد و هر
روز دیدگانش با دیدار آن آفتاب عالمتاب نورانی شود و
معارف الهی را از سرچشمه زلال علوم آل محمد فرا گیرد؟

۱. بشارة الاسلام، ص ۸۱

۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۰ و يوم الخلاص، ص ۳۷۴.



صاحب قدر

شگفت پدیده‌ای است این "زمان" که خدایش آفرید و نمودش در گذشت ثانیه‌ها و لحظه‌ها و ساعات و روزان و شبان و ماه‌ها و سال‌ها و قرون و اعصار جلوه‌گراست و سرمایه انسان را پاره‌هایی از آن قرار داد تا با اراده و عمل خود از آن سرمایه خویش را بهشتی سازد یا دوزخی!

و شگفت‌تر آنکه این پاره‌ها را به حکمت بالغه‌اش یکسان و همسان نساخت: لحظه‌هایی را "لحظه‌های برین" و روزهایی را "یوم‌الله" و شب‌هایی را شکوهمند نام نهاد و از میان همه آن شبها شبی را "قدر" نامید و آنرا شکوهمندترین ساخت و ارزشش را برتر از هزار ماه فرمود...

براستی چیست منزلت "لیلة‌القدری" که شکوهمندترین شب سال است ﴿و ما ادريک ما لیلة‌القدر﴾؟! که در آن شب "روح" و فرشتگان به اذن الهی با "بسته تقدیر" که هر امری در آنست - بر "ولی خدا" فرود می‌آیند و تا طلوع فجر "سلام" است و سلام؟!!

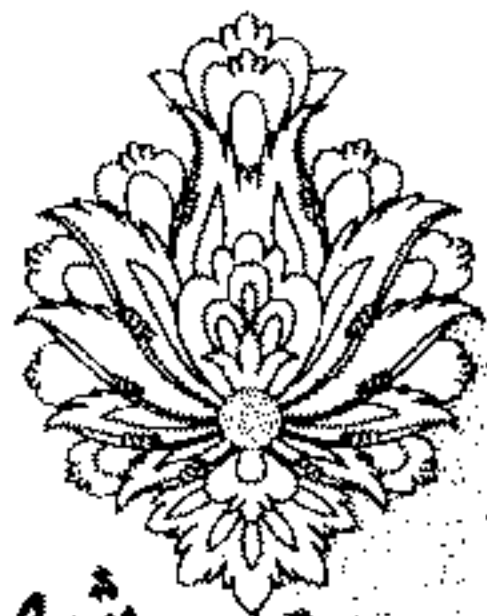
حکمتش را خدا داند و ولی او در این زمان ولی الله الاعظم (که خدایش "ولی عصر و زمان" و بلکه صاحب‌الزمان" نامید) و شب قدر شب اوست که تقدیرها بر او فرود آید و او عین الله الناظر بر تقدیرهاست...



هر چه هست این رابطه، رابطه زمان است با صاحب زمان و خدا با ولیش که رمز و راز "قدر" در آن نهفته است و برترین کار در این شب پیوند با خدا و اولیای او و این است راز نزول دعای فرج در این شب...

و چه معنا دار و حکمت مدار است پیوند این شبها با صاحب ولایت امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام که پیوندی جاوید و گویاست...

باشد که ما هم با "ولی عصر" و "صاحب قدر" و "صاحب الزمان" عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ پیوند گیریم و به حبل ولایش متمسک شویم و در راه او توفیق خدمتگزاری یابیم ان شاء الله...



شهید محراب

بیست و یکم ماه صیام با نام عرش آشنای امیر مؤمنان پیوند گرفته است...

درست یکهزار و چهارصد سال پیش در قلب ماه خدا ارکان هدایت به لرزه درآمد و "امام المتقین" به گاه نماز و نیایش در خون خویش غلطید...

در طول سالیان غربت ولایتمداران، هماره یاد کرد شهادت مظلومانه "برادر" و "جانشین بلکه "نفس رسول الله" در محراب عبادت به دست "اشقی الاشقیاء"، جان همه موالیان آستان امامت را ش زده و... چشمه‌اشان را اشکبار نموده است.

غربتی که آل الله و شیعیان‌شان در این چهارده قرن تاوانش را با شکنجه و آزار و شهادت و مظلومیت پرداخته‌اند...

رمضان ماه تقوی، ماه ولایت، ماه عبادت، ماه طهارت، ماه علی و ماه انتظار است.

انتظاری که هر شب با "افتتاح" دروازه‌های اجابت الهی را می‌کوبند تا این غربت‌ها با فتحی شتابان (بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ) "اختتام" یابد...

۱. مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.



عیدی کریمانه!

می‌گفت: کریمی مولا را هر نوکری وجدان نکرده است در نوکری خود شک کند...

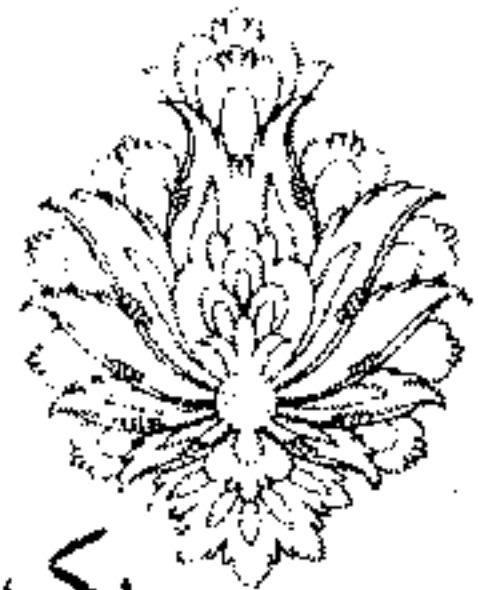
من که خود را لایق نوکری نمی‌دانستم با خود گفتم او به اغیار هم کریم است - نوکرها که جای خود دارند - و من با گوشت و پوست خود مکرر کریمی او را وجدان کرده‌ام...

همین عید فطر امسال او عیدی به من داد که آسمان کرمش را بار دیگر در آغوش کشیدم و باران احسانش را بر تک تک سلول‌های خود احساس نمودم و دیدم بی‌آنکه لیاقتی داشته باشم چطور مرا بر سر خوان احسانش نشانند...

آری آن کریم در روز عید فطر مرا زائر سامرای خود نمود و وقتی در ایوان حرم عسکرین به نجوای مدیحت مداح دلسوخته‌ای زار می‌زدیم بر این همه کرامت بی‌شائبه آن مولای کریم سر تعظیم فرود آوردیم...

این دومین باری بود که زیارت سامرا نصیب شده بود: یکبار پیش از حادثه مولمه تخریب و یکبار هم اکنون که ساختمان حرم می‌رفت تا دوباره آن شکوه را باز یابد اگر چه غربت همچنان باقی بوده وهست...

از آن روزی که این قلم‌ها به یاد آن حادثه مولمه، مویه‌های غریبانه عاشقان مولا را آغاز نمود تا هم اکنون که موج بیقراران او در هزاران دلنوشته و مقاله و شعر، به مدیحتش به میدان آمده‌اند چندسالی می‌گذرد...



یک کانال نور، یک کوچه باریک از جنس بتون در دشمنستان تخریب‌گران در شهر سامرا، شما را به آن حرم غریب می‌رساند اما این بار خادمان حرم غریبه نیستند که از جنس زائرانند که پاس حریم امامت را با عشق نگهبانند تا گرد و غبار آن خاکها را با مژگان بروبند و حالا تو در روز عید فطر میهمان مولایی و در ایوان حرم و در چند قدمی سرداب مقدس - که خانه آقا است - نشسته‌ای و حیران که مگر من چه کرده بودم که مولا مرا به این ضیافت نورانی نشانده است!

مبهوت از این همه کرامت اکنون - چند روز پس از یاز گشت به خانه - نشسته‌ام و با خود می‌گویم نشکرک یا مولای، اشهد بتمام جوارحی و دمی و اوصالی و قلبی و لسانی بانک:

“كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ وَ مَأْمُورٌ بِالضِّيَافَةِ وَ الْإِجَارَةِ
فَأَضْفِنِي وَ أَجْرُنِي”^۱

۱. مفاتیح الجنان، زیارت روز جمعه.

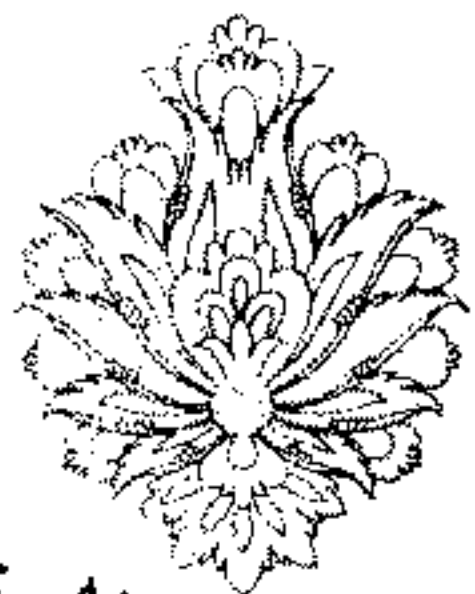


پیشوای صادقان انتظار

در سالروز شهادت حضرت امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، که مکتب اهل البیت علیهم السلام و امدار او و همه فرق اسلامی مدیون آموزه‌های اوست که ابوحنیفه پیشوای اهل سنت نیز گفت: "اگر نمی بود آن دو سالی که در محضر جعفر بن محمد، درس آموختم، هلاک شده بودم" و چهارصد کتابی که شاگردان محضرش پدید آوردند (اصول اربعمأه) و مبنای کتب اربعه حدیثی ما شد و زیربنای فرهنگ اسلامی را رقم زد لذا بیشترین روایات نسبت به حضرات ائمه در این مجموعه از ایشان است و اثر آن در همه مبانی اعتقادی و فقهی (تفسیر و احکام و اخلاق و جهان‌شناسی و آیین زندگی و اعمال روزانه و منش و بینش مؤمنان) هویدا است... تا آنکه توسط منصور خلیفه عباسی به شهادت رسیدند و عمر پربرکتشان که همواره تحت آزارهای خلفای جور اموی و عباسی بود به پایان آمد...

آن امام همام، پیشوای "صادقان انتظار" است که منتظران راه و رسم انتظار را از او آموخته‌اند آنجا که فرمود: "اگر دوران حضرت مهدی را درک کنم همه عمر خدمتگزاریش خواهم نمود" (لو ادرکته لخدمته ایام حیاتی) و این یعنی مبادرت به همه اموری که موجب خشنودی مولا است و اگر بودند به انجام آنها اقدام می نمودند همچون دستگیری از مؤمنان، تعلیم مبانی دین، دفع اضلالت منحرفان، نجات گم‌گشتگان، احسان به همگان، دلسوزی و مراقبت از نیازمندان و

۱. غیبت نعمانی / ۲۴۵.



به تعالی رساندن شهروندان و... همه اینها مصداق خدمتگزاری خالصانه است در امتداد روزگاران... آموزه دیگرشان ترسیم آیین یآوری موعود است که فرمودند: "هرکه شوق یآوری قائم آل محمد صلی الله علیه و آله را دارد باید انتظار و تقوی و حسن خلق پیشه کند که اگر در این حال مرگش فرا رسد اجرش همسنگ اصحاب و پا در رکابان مولاست. پس بکوشید و انتظار پیشه کنید ای گروه منتظران که رحمت الهی شامل حالتان شده است (من سرّه ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر ولیعمل بالورع و محاسن الاخلاق فإن مات و قام القائم بعده کان له من الأجر مثل أجر من أدركه. فجّدوا و انتظروا ایتهالعصاة المرحومه)

درود و صلوات خدا بر پیشوای "صادقان انتظار" که راه و رسم زندگی منتظرانه را فرا رویمان نهاد تا یآوری خالص باشیم.



در سوگ امام صادق علیه السلام

به فدای آن امام همامی که آنقدر بر آبیاری نهال دین کوشید که اسلام حقیقی را به نام او "مذهب جعفری" نام نهادند. آنقدر شاگرد و مدافع و محدث، تربیت نمود که اصول چهارصدگانه (اربع مآه) آنان، منبع سرشار کتب اربعه و آن مدار فرهنگ جاوید شیعی شد.

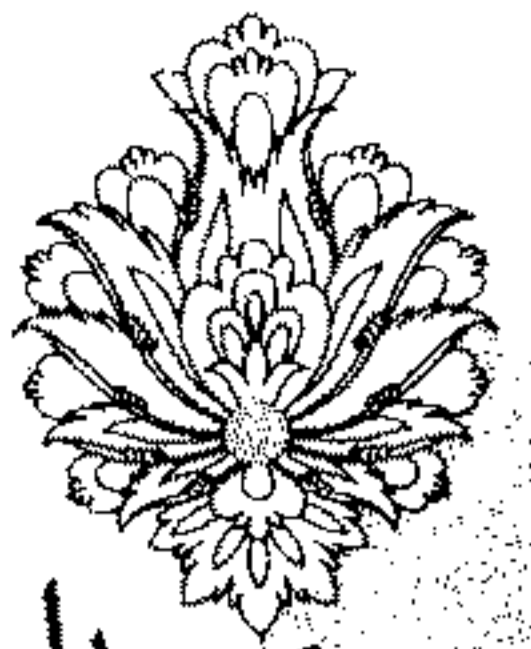
آنقدر دانش سرشارش فراگیر گردید که ابوحنیفه امام اهل سنت گفت: اگر نبود آن دوسالی که نزد صادق آل محمد علیهم السلام تلمذ کردم، هلاک شده بودم...

فقه اکبر و فقه اصغر (معارف و احکام) از چشمه سرشار علوم نبوی را مروج و معلم بود و ایمان و اخلاق و تقوی را مدار و مرکز. زدودن تحریفات نشسته بر چهره دین را آن چنان عالمانه به انجام رساند که تا قرن‌ها باقی است هر جویای حقیقت بتواند در سایه سار آن رهنمودها، راه را از بیراهه بشناسد.

هر دفتر معرفت را در مجموعه اعتقادات و تاریخ و احکام و اخلاق که بگشایی به سخنان او مزین است و هر اندیشه و کردار دینی ات را که پی‌بگیری، از اصول یا فروع (از توحید و نبوت و امامت و عدل و معاد یا از نماز و صیام و حج و جهاد و خمس و زکات و تولی و تبری و امر به معروف و نهی از منکر) براساس احادیث او شکل گرفته است که میراث جدش رسول الله صلی الله علیه و آله را شارح و مبین بوده است...

صلوات خدا بر او باد که در شهادت مظلومانه‌اش اشکباریم و بر غربت مدفن غریبانه‌اش در بقیع، مویه‌کنان و نوحه خوانان و ضجه زنان...

درس خدمتگزاری به آستان مهدوی را از او آموخته‌ایم که خود را زمینه‌ساز و یاور و همراه و پشتیبان اهداف قائم آل محمد شمرد و فرمود: "لوادرکته لخدمته ایام حیاتی" اگر دوران او را درک کنم، تمام زندگیم خدمت او را خواهم نمود...



یا ثامن الحجج

شب میلاد آن امام همام و آن پیشوای رئوف، به طور معجزه آسایی در آن حریم کریم، گذار این عاصی به پابوسی آستان افتاد...

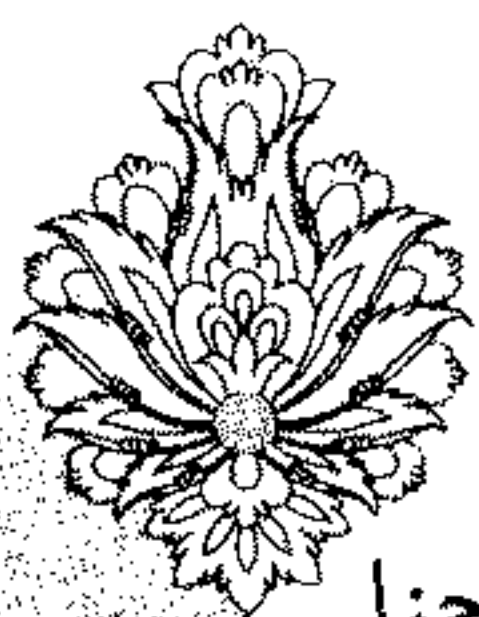
نه این سفر در برنامه بود و نه به طریق معمول یافتن بلیطی برای سفری هوایی مقدور!

دعوتی دیر هنگام برای حضور در سمیناری و اجابت برای یک سخنرانی شغلی در آن دیار نور به شوق زیارتی دو ساعته در آستان قدسی هشتمین خورشید امامت، امام ابامحمد علی بن موسی علیه السلام... و شباهنگام گام زنان به سوی آن قبه و بارگاه نورانی...

تنها یکی دو بار در سال همه خیابانهای منتهی به حرم از چند کیلومتر جلوتر بسته می شود و دسته های زائر شائق، پیاده و ذاکر، موج می شوند و به ساحل حرم روان می گردند و من این شب و این هنگام در این جمع و با این هیأت راه می سپرم و باورم نمی شود که لایق این توفیق بوده ام...

تمام صحن ها مملو از زائر و مداحان و خطیبان در آوا و صحن و آستان، نورانی تر از هر شب و اشک شوق ارزان و روان بر هر چهره ای که می نگری که: مهربانا میلادت مبارک باد!

در آن هیمنه و هیاهو و دریای اشتیاق، بعضی آداب زیارت و اذن دخول، دست یافتنی نبود اما عبارات زیارت مخصوص در دریای موج مشتاقان به توصیه

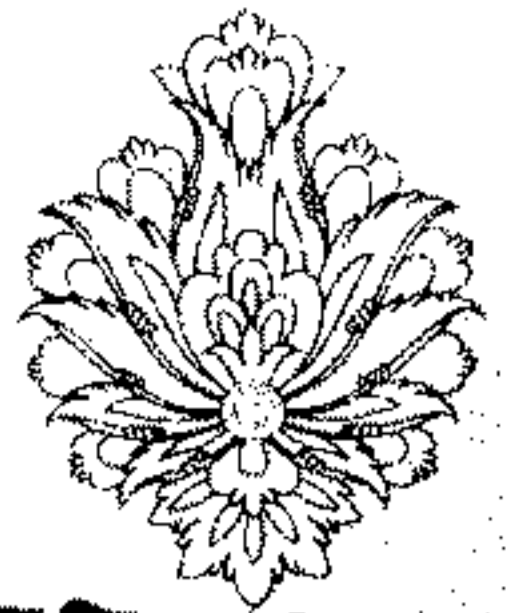


صاحب مکیال به نیابت از ولی الله الاعظم ارواحنا فداء ادا شد و بالای سر مطهر نمازی با یاسین و الرحمن و آنگاه سلام‌هایی به نیابت از دوستان به محضر امام رئوف و تشکری از صمیم دل برای این توفیق که یار فرمود این عاصی را در امواج مشغله‌ها و غفلت‌ها و تقصیرها و قصورها...

نزدیک نیمه شب که در پرواز بازگشت، این ارض اقدس را وداع می‌گفتم از این که روزانه یکصد و چهل پرواز بر این زمین بوسه می‌زند تا مشتاقان را از هرسوی به پابوسی حریم قدس رضوی برساند یا باز گرداند کعبه را یاد کردم که در این دیار در تجلی است و طائفان نه یک بار در سال که هر روز در هیأت تمتع‌اند در طواف حریم:

حضرت ثامن الحجج، خورشید هشتمین، امام علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء...!





حج فراخوان حضور

آیین شکوهمند حج، فراخوان حضور در سرزمین وحی است از سوی خدای بزرگ فراروی هر مسلمان در هر نقطه جهان حداقل یک بار در طول حیاتش و اجابتش از سوی عبد، "لبیک" است به مولی، سپیدپوش در میقات، فارغ از هر آرایه و پیرایه دنیوی و آنگاه طواف بر گرد خانه دوست و نماز و سعی و تقصیر و مشعر و وقوف و عرفات و رجم و قربانی... و تا از خود فارغ نشدی و عزم و آهنگ خدایی نکردی و رنگ و بوی دوست نگرفتی، حاجی نشده‌ای!

اما این جسم حج است و روح حج، پیوند با امیرالحاج است که هر سال در موسم حج حضور دارد و او ولی خداست و امام مهربان خلایق و حجت خدا که عالم بر گرد کعبه وجودش در طواف است و فرشتگان بر آستانش در سعی و علم و عرفان و تقوی و ایمان از چشمه سار وجودش در جوشش و ذخیره هستی برای نجات جهان یعنی حضرت صاحب الزمان که خداوند روزگار ظهورش را نزدیک و ما را از یاورانش قرار دهد...

سرزمین وحی بر قدم او بوسه زنان و مشعر و منی و عرفات در مدحش ثناخوانان.

شناسای قدومش سرزمین بطحاء و آشنای مقامش کعبه و بیت الله الحرام و گستره وادی حرم و غیر آن. چنانکه فرزدق شاعر در حضور هشام^۱ ستمگر درباره جدش امام

۱. هشام بن عبدالملک (در زمان خلافت پدرش یعنی عبدالملک بن مروان) که بعد از شنیدن این قصیده، خشمگین شد و حقوق فرزدق را از بیت‌المال قطع نموده و او را زندانی کرد.



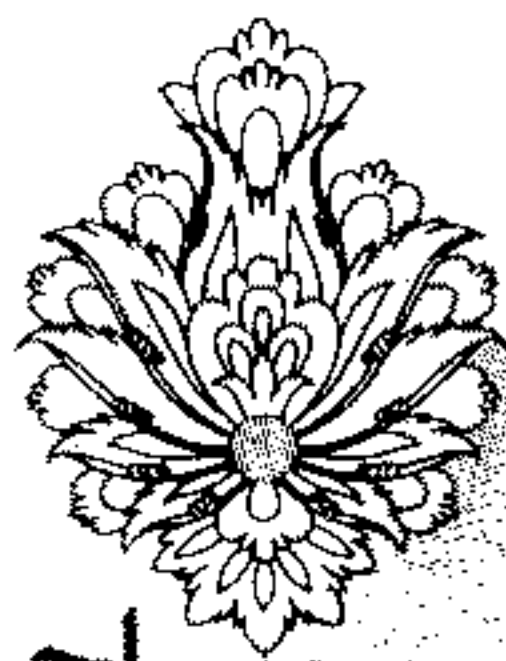
سجادا عليه السلام في البداهه سرود^۱:

هذا الذي تعرف البطحاء وطأته،

والبیت يعرفه والحل والحرم^۲...

حج گزاران را هر سال سفارش می‌کنیم قدر بدانند تنفس در سرزمینی را که ولی خدا حضور دارد و شمیم دعا و نماز و تلاوتش هوای بطحا را معطر نموده و تلاش کنند تا شاید چشمانشان روشن شود یه جمال آن یوسف کنعانی... و چون باز گردند می‌بوسیمشان که بوسه زده‌اند بر قدمگاه ولی خدا در بیت و مسعی و عرفات و منا و بیعت کرده‌اند با آن مولای نورانی و بی‌همتا و... و خود به افق چشم دوخته‌ایم که امیرالحاج شاید امسال که پرده بیت را در چنگ گرفته اجازه قیام دریافت کرده باشد و قرار است بزودی چشمانمان به جمال مبارکش نورانی گردد... الاها امید امیدواران را ناامید مکن!

۱. بعد از این ماجرا، امام سجاد عليه السلام دوازده هزار درهم برای فرزدق فرستاد و فرمود: ای ابوفراس ما را معذور دار. اگر بیش از این مقدورمان بود، برایت می‌فرستادیم.
۲. بحارالانوار ج ۴۶، ص ۱۲۱، ح ۱۲ (به نقل از ارشاد) و ص ۱۲۴، ح ۱۷ (به نقل از حلیه الاولیاء اغانی و دیگر کتابها) و ص ۱۳۰، ح ۲۰ (به نقل از اختصاص).
۳. ترجمه: این کسی است که سرزمین پاک مکه قدر و منزلت او را می‌شناسد و خانه کعبه، حل و حرم او را می‌شناسند.



احرام قیام

حاجیان احرام بسته‌اند تا به فرمان مهربان هستی، گرد خانه او طواف کنند و لبیک گویان حمد و نعمت و ملک را از آن او دانند و برایش انبازی قرار ندهند و جز او را نخوانند و سپیدپوش یاد روز رستخیز کنند و معاد را در خاطر آورند و دنیا را به سخره گیرند و شیطان را از زندگی خود رجم کنند و پس از حج این خاطره را فراموش ننمایند و برای حضرت ربّ قیام کنند...

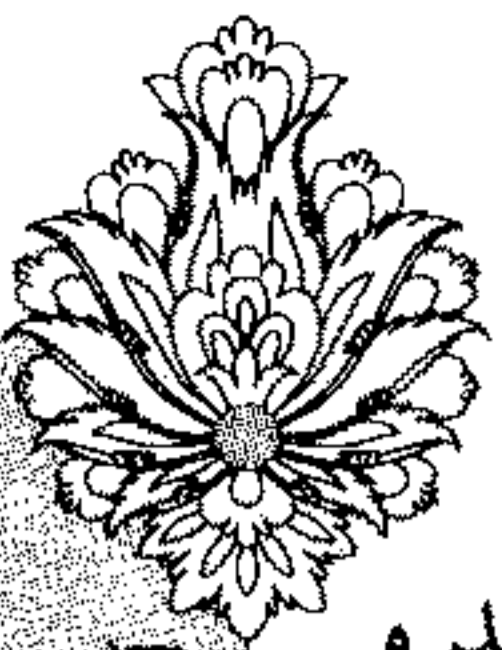
در این رستخیز عظیم، یکی از آن خیل صدها هزار، فرمانفرمای هستی، امام مفروض الطاعه و امیرالحاج و بقية الله فی الارضین است که ناشناس و بی‌نشان، حج ابراهیمی می‌گزارد و در عبودیت خدای منان سر بر آستان ذوالجلال دارد و برجای جای بیت و مقام و منی و مشعر و عرفات، اشک‌ریزان زبانش به ذکر تهلیل و تحمید و تقدیس مترنم است و در عین حال از یاد آحاد امت غافل نیست و برایشان دعاگوست...

یکی از مواقفش کنار کعبه است که دست در پرده کعبه از سویدای جان خدای را می‌خواند که:

اللهم انجز لی ما وعدتني...

ای پروردگار من! آن وعده تخلف ناپذیری را که برایم مقرر فرمودی به انجام رسان و متحقق فرما!

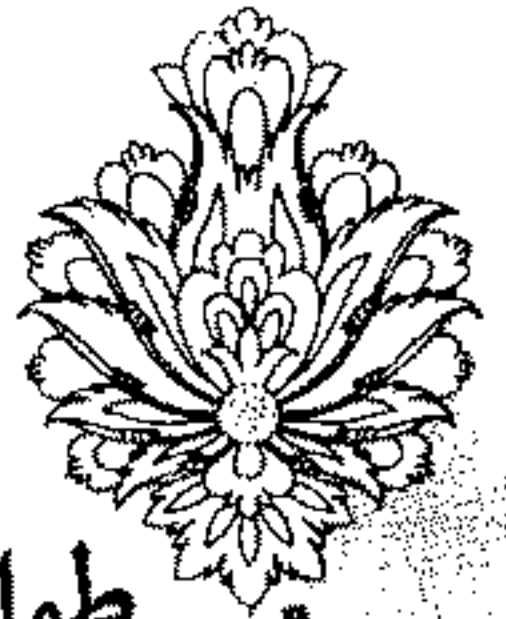
من احرام قیام بسته‌ام فرمان را صادر نما! دوران غیبت را به آخر رسان! روزگار ظهور را نمایان کن!



حاجیان اما غافل از امیرالحاج، سودای سوغات دارند و
ارز و خرید و آن امام ناشناس که فرشتگان گردش طواف
کنانند در اندیشه قیام، دعا کنان و ذکر گویان، این حج
را آخرین حج غیبت می‌خواهد تا روزگار ظلم را با اراده
الاهی به روزگار عدالت تبدیل نماید و طومار ستم را
برچیند و توحید را حاکم نماید...

ما نیز با آن مهربان مهربانان هم صدا می‌شویم می‌خوانیم
که:

ای خدای ابراهیم، روزگار قیام را قلم بزن و فرمان قیامش
را صادر نما و وعده‌ات را تحقق فرما!



طواف حرم

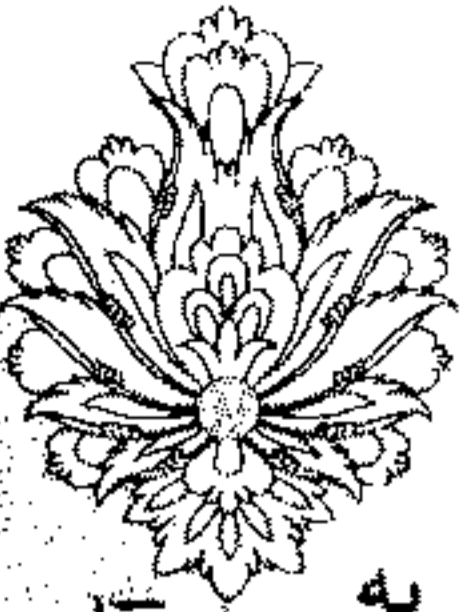
روزنای مهیوی

این روزها از شش گوشه جهان، مسلمانان به سوی مکه روانند تا در مسجدالحرام به هم پیوندند و پروانه وار، گرد خانه خدا طواف کنند و فریاد "لبیک اللهم لبیک" شان آسمان ام القری را سرشار از معنویت و روحانیت نماید... میلیون ها زائر از سراسر عالم به قصد زیارت خانه خدا و حرم نبوی، کوچی معنوی را آغاز کرده اند تا در مناسکی شگفت - احرام و طواف و سعی و وقوف و رمی و قربانی و تقصیر - حجی ابراهیمی را در پرونده عمر خویش ثبت نموده جای جای مهبط وحی در مکه و مدینه را بوسه باران کنند و خدای را بر نعمت هدایت شکر نمایند و با صاحب رسالت، پیمان بندند که تا پایان عمر بر پیمان ایمان وفادار می مانند و اینگونه حاجی واقعی می شوند...

در این میان، معدودی عاشق دلباخته نیز در این سفر روحانی سراز پا نشناخته به دنبال کعبه حقیقی - حجت خدا امام عصر ارواحنا فداه که هر ساله ناشناسانه در موسم حضور دارد - می گردند تا گرد او طواف کنند و حج حقیقی گزارند... آن عزیزی که مکرر پرده خانه خدا را در دست می گیرد و می خواند:

اللهم انجز لی ما وعدتنی'

۱. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف بعد از تولد چنین دعا کردند: «... اللهم انجز لی ما وعدتنی، و اتمم لی امری، و ثبت وطاتی، و املا الارض لی عدلا و قسطا»: اکمال الدین و اتمام النعمه، ج ۲، ص ۴۲۸؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳.



مقام و بیت و حجر و مطاف و مسعی و عرفات به
پایش بوسه می‌زنند و بر غربتش می‌گیرند و دعایش را
آمین می‌گویند و روزگاری را آرزو می‌کنند که او از کنار
همین خانه و مقابل همین مقام ابراهیم ظهورش را آغاز
می‌نماید و می‌فرماید:

الا یا اهل العالم انا بقية الله المنتظر، انا المهدي' ...

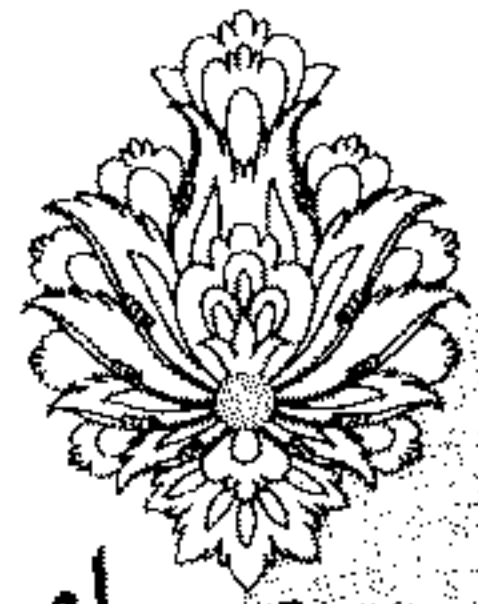
و یارانش آن سیصد و سیزده امیر سپاهش همراه ده هزار
رزم آور کاروانش او را در بر می‌گیرند تا آن برنامه موعود را
در سراسر زمین محقق سازند...

حاجیان را ندا می‌دهیم:

آیا شما از آن عاشقانی هستید که گرد کعبه حقیقی
طواف کرده باشید؟!

خوشا بر شما و حج‌تان مقبول!

۱. یزدی حایری، إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب عجل الله تعالى فرجه الشريف.
ج ۲، ص ۲۳۳.



امیر و مولای حاجیان

بار دیگر موسم حج شده است و به یاد آن "امیرالحاج" دل‌های منتظران از شور و اشتیاق آکنده می‌شود. امیری که صاحب الزمان است و حج و نماز و صیام و قیام و قعود و عبادت جز به ولایتش پذیرفته نیست و اوست مولای مؤمنان و امیر روزگاران...

به فدای آن مولای مؤمنان و امیر حج‌گزاران (امیرالحاج) که در کنار حاجیان حج می‌گزارد و بر کار آنها نظارت می‌فرماید و آنها را می‌بیند اگرچه آنان او را نبینند و با آنهاست در طواف و سعی و مشعر و عرفه و منی و شاهد بر اعمال آنهاست.

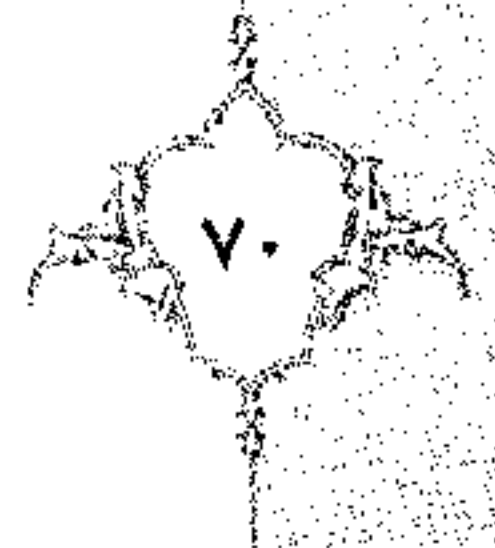
کدام حج‌گزاری است که خود را در منظر مولایش ببیند و منقلب نشود...

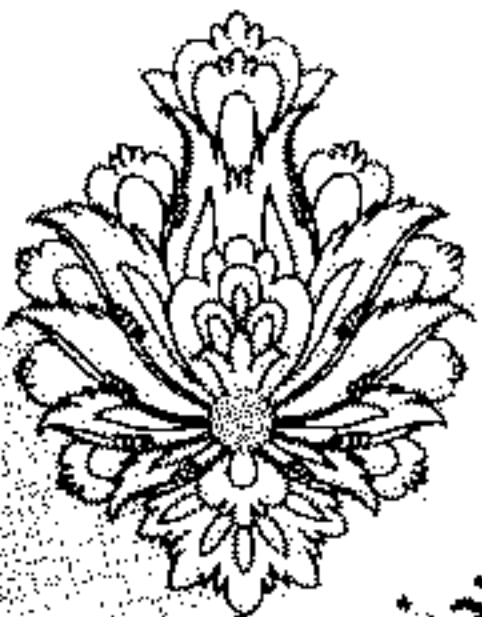
حضرت امام صادق علیه السلام را روایتی است زرین به نقل از زراره (صحابی بزرگ آن امام همام) در شأن حضرت صاحب‌الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که فرمود: "مردم امامشان را گم می‌کنند، اما آن حضرت در موسم حج حضور دارد و مردم را می‌بیند اگرچه آنان او را نبینند (جالب است که امام می‌فرماید مردم او را گم می‌کنند نه اینکه مولا آنها را گم کند بلکه مردم دائماً در منظر و مرآی اویند).

يفقد الناس إمامهم، يشهد الموسم فيراهم ولا يرونه^۱

و حضرت عسکری علیه السلام را سخنی است با احمد بن اسحاق قمی وقتی که آمد تا از جانشین و امام پس از

۱. کمال الدین و تمام النعمة، الشيخ الصدوق ۳۵۱ ح ۴۹.





ایشان سؤال کند و حضرت پیش از آن که او سخن بگوید و پرسش خود را مطرح کند فرمودند:

... او هر سال در موسم حج حضور و در عرفه وقوف دارد و دعای مؤمنان را آمین می‌گوید:

وإنه ليحضر الموسم كل سنة، ويقف بعرفة، فيؤمن على دعاء المؤمنين^۱

و برای آنکه رفع شگفتی او شود، می‌فرمایند: او همچون خضر است که بخاطر نوشیدن آب حیات تا نفخ صور زنده است و او مونس و همنشین تنهایی و غربت مولا است.

همچنین آن پیشوای صادق علیه السلام فرمود:

آن سالی که صاحب الزمان در حج حاضر نباشد، حج از مردم پذیرفته نمی‌شود:

العام الذي لا يشهد صاحب هذا الأمر الموسم لا يقبل من الناس^۲

چشمان منتظرانی که توفیق حج دارند، او را بجویند در طواف و سعی و عرفات که وقتی حاجی می‌شوند که به جبل و لایش متمسک باشند و او حج‌شان را بپذیرد که قبول او قبول خداست و آنها که در حج نیستند به یاد آن امیرالحاج دعای برفرج کنند تا طبق روایت شریف او بردعایشان آمین گوید و این گونه شام غیبت به صبح وصال مبدل گردد، ان شاء الله.

۱. الخرائج والجرائح، الراوندي، ۳ / ۱۱۷۴ ح ۶۸.

۲. دلائل الامامة ۲۶۱.



عرفه و قربان

حج با همه عظمتش، مقدمه‌ای است برای عرفه و قربان! از معرفت تهی است حجی که دست خالی از عرفه عبور کرده باشد. در پناه دلالت ولی الله، باید در موقف عرفه به عرفان دست‌یابی: عرفان خدا، خویشتن، مبدأ و معاد، معنا و حقیقت زندگی، رهبر و آداب رهروی و سپس در آزمون قربان، همه تعلقات را قربانی و آنگاه در حیاتی نوین، این حج عرفانی را در همه زندگی ساری و جاری کنی... معلم این عرفان نیز ولی خدا سیدالشهداست که با دعای عرفه دستت را می‌گیرد و اگر دل بدهی تا اوج قرب و لقاء بالا می‌برد:

يا من هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِمْتِنَانِ ...
 اللَّهُمَّ تَنِي مَعْرِفَتَكَ ... وَ فَهَمَّتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَ يَسَّرْتَ
 لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ ... وَ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ وَ وَفَّقْتَنِي
 لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي
 وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي ...

و در عمل نیز به تو می‌آموزد که بدنبال ولی الله باشی حتی اگر نابهنگام از کعبه کوچ می‌کند و حج تمتع را ناتمام می‌گذارد و به عمره بدل می‌کند و راهی کربلا می‌شود و تو باید با او باشی و مناسک تو را از او باز ندارد

۱. ای که به ایمان هدایتیم نمود، پیش از آنکه سپاس نعمتهایش را بشناسم، ای که در بیماری خواندمش، پس شفایم داد... آنچه رسولانت آورده بودند به من فهماندی و آسان کردی برایم پذیرفتن موجبات خوشنودیت را... از این که مرا به آنچه به تو نزدیک می‌کند راهنمایی کردی، و به آنچه مرا به پیشگاهت مقرب می‌نماید توفیق دادی، پس اگر بخوانمت، اجابتیم نمایی، و اگر از تو درخواست نمایم، عطایم کنی، و اگر اطاعتت کنم قدردانی فرمایی، و اگر به شکر بر خیزم بر نعمتم بیفزایی.



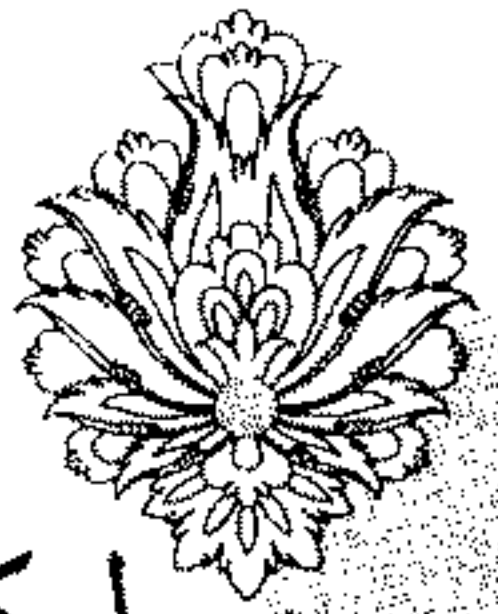
که آن اعمال تنها کالبد است و روح حج اوست و اوست
کعبه‌ای که باید در زندگی گردش طواف کنی و گوش به
فرمان او باشی...

و امروزت را نیز در همین مواقف و عرصات و مناسک
و عبادات، دل به فرزندش بقیة الله دهی و با او عهد
و پیمان بندی و از راهش جدا نشوی و یاریش کنی و
منتظرش باشی که فرمان، فرمان اوست و زمان، زمان
او، و اوست ولی عصر و صاحب الزمان... آزمون "قربان"
نیز یادگار نیای او ابراهیم است که پرارزش‌ترین داشته
خود را در راه محبوب به قربانگاه آورد و چون در این
آزمون پیروز شد خدایش آن روز را تا رستاخیز برای همه
موحدان "عید" قرار داد... و تو بنگر که در راه مولایت
آماده قربان کردن عزیزترین داشته‌هایت هستی یا نه؟!
که اگر هستی حاجی هستی و "عید" گوارایت! و حالا که
چنین هستی، نماز عید بگزار و در قنوت بگو:

"... وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ ادَّخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ
مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ"

که همه عرفان و عرفان حقیقی در همراهی با رسول و
آل او علیهم السلام است که ثقل جدانشدنی از ثقل قرآنند. و این
همراهی نیز هزینه دارد که آزمونش قربان است و عید
پاداش پیروزان در این آزمون.

۱. و درآوری مرا در هر خیری که درآوردی در آن خیر محمد و آل محمد را و بروم
آری از هر بدی و شری که برون آوردی از آن محمد و آل محمد را - که درودهای تو
بر او و بر ایشان باد.



لیک غدیری

حماسه غدیر را با "شیعه حقیقی" شدن و "منتظر واقعی" بودن، لبیک می‌گوییم:

یادمان‌ها، فرهنگ بودن و شدن ما هستند در جریان زندگی که تا ابدیت جاری است...

شکوه غدیر بار دیگر بی‌تابمان کرد و آسمان آسمان طراوت و نشاط را به جانمان ریخت..

یقین این "برکه" از کوثر جوشیده بود که کام همه طالبان علم و عدالت را تا ابدیت شیرین نمود...

دستی که به معرفی مولا در غدیر بلند شد همان دست

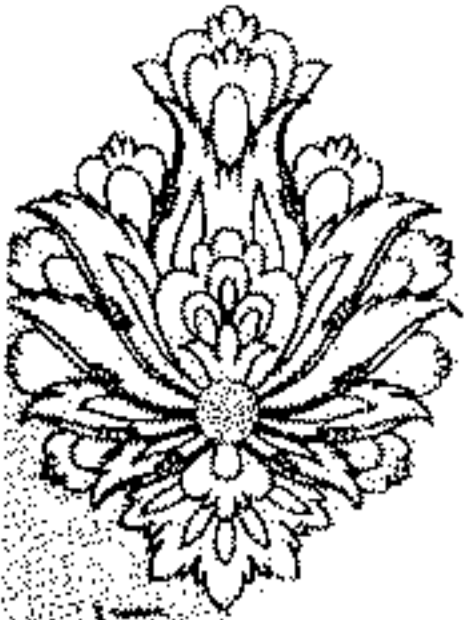
خدایی بود که فرمود: ﴿بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾... امیری به بشریت معرفی می‌شود که پس از ختم رسولان، سرآمد اولین و آخرین است و هیچ‌کس را تاب پرواز به ستیغ شکوهند قله‌های دانش و ولایت او نبوده و نیست...

گشتی می‌زنیم به جهان دیروزین و امروزین و از خود می‌پرسیم:

نمونه‌ای جز او می‌یابیم که به جوان امروزی توصیه کنیم اگر راه او را برود از در افتادن به همه چالهرزهای گمراهی مصون بماند؟

نه اسیر جهالت‌های فرقه‌ها شود نه به دام زر و زور و تزویر در افتد نه بنده مرادهای دروغین شود نه فریب اومانیسم و فمنیسم و دیگر ایسم‌ها خورد و نه شیطان را بر او راهی باشد...

نه، کسی را جز علی نمی‌یابیم که پیرویش، انسان دیروز و امروز و فردا را از همه خطرات مصون و به سلامت به مقصود برساند چرا که او حق است و حق بر مدار او می‌چرخد که پیامبر در حقش فرمود:



علی مع الحق و الحق مع علی^۱

اگر تنها يك جرعه از نهج البلاغه‌اش نوشیده باشید باور می‌کنید که سخنش فراتر از سخن مخلوق است. این است که آن را هم وزن قرآن گفته‌اند و ستوده‌اند و فروتر از سخن خدا و بالاتر از سخن انسانهایش شمرده‌اند.

باید فریاد کنیم انسانیت امروز را که:

هان غافل نباشید از میراث سخنان علی که بنیوشید و پیروی کنید سعادت دنیا و آخرت را در آغوش می‌کشید که نهج سخنش، نهج رستگاری است و پیامبر ضمانت فرمود: **فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا**^۲....

بگذارید تنها با دو کلمه از این میراث جاودانی کام زندگی‌تان را شیرین کنم:

او در نهج البلاغه‌اش فرمود: **تَخَفُّوا تَلْحَقُوا**

این دو کلمه رمز سعادت و آرامش روحی شما در زندگی امروزی‌تان است که اگر به کار بندید آثار آن را لمس خواهید نمود. این دو کلمه طلایی این است:

بار خود را سبک کنید تا زودتر برسید!

براستی آیا علت همه دغدغه‌های نسل امروز، بارهای خیالی و تحمیلی شامل توقعات و آرزوها و زیورها و چشم و هم‌چشم بازی‌ها و مُدها و مدل‌های روز از نوع تجمل‌گرایی در منزل و اتومبیل و لوازم و غیره نیست که بر خود تحمیل کرده و پشتش زیر سنگینی این بارها خم شده یا شکسته است که اگر آنها را زمین بگذارد سریع‌تر به مقصد زندگی که آرامش و امنیت روحی است می‌رسد؟! آری این تنها دو کلمه از میراث مولا بود که اگر به همه کلماتش دل بندیم به سلامت به مقصد خواهیم رسید... و دیگر اینکه او فرمود فرزند آخرینم را یاری کنید تا اهداف ناتمام همه انبیا را تحقق بخشد این سخنش را اجابت کنیم با: شیعه حقیقی بودن، منتظر راستین شدن و پیرو صدیق میراث اهل بیت گشتن...

۱. خطابه غدیر.

۲. همان.



هویت غدیری

غدیر از پس عرفه و قربان، فرا می‌رسد...

عبودیت را در شب و روز عرفه با دعا و نیاز و نماز، گره می‌زنی تا در این موقف میوه معرفت بچینی و در کنار کعبه حقیقی که خاک این سرزمین بر قدوم او بوسه می‌زند عارف راستین شوی و فردا در مصاف با شیطان پیروز باشی و در قربانگاه نفس، از خود هیچ باقی نگذاری و با تمام وجود ولی خدا را اطاعت کنی تا روزت، عید قربان شود و حاجی واقعی شوی و آنگاه در غدیر که کمال دین و تمام نعمت است تمام هویت ایمانی خود را تثبیت نمایی!

آری هویت ما هویت غدیری است زیرا تمامیت و کمال دین با غدیر پیوند خورده است که خدا فرمود:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾

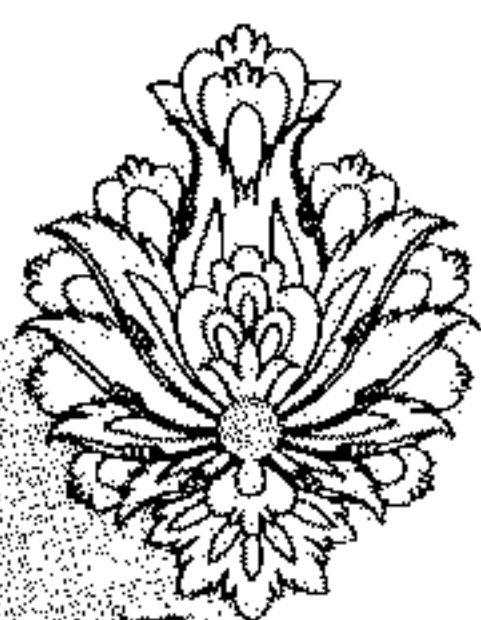
حاجی اگر در کنار بر که غدیر به فرمان پیامبر با امام خویش بیعت نکند، دینش از نعمت کمال و تمام بی بهره است.

باید "من کنت مولاة فهذا علی مولاة"^۱ را بشنود و دعای رسول خدا- "اللهم وال من والاه و عاد من عاداه"^۲ - را آمین گوید و با ولی خدا بیعت کند و آنگاه این پیام را به

۱. مائده / ۳.

۲. خطابه غدیر.

۳. همان.



غائبین برساند که یک فریضه است از ناحیه پیامبر:

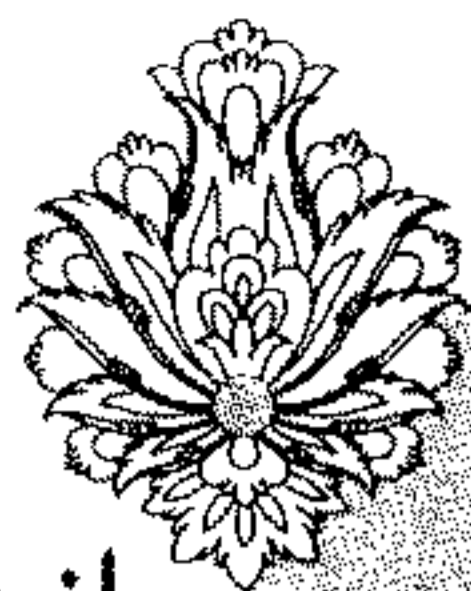
فلیبلغ الشاهد الغائب^۱

بر حاضران است که این پیام را به غائبان برسانند - و آنک، عاشقانه این مسئولیت را انجام باید داد تا پیام غدیر در همه جای این کره خاکی فراگیر شود و همه بخوانند:

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين
و اولاده المعصومين صلوات الله عليهم اجمعين

آری هویت ما هویت غدیری است...

۱. همان.



از غدیر تا ظهور

غدیر، نماد قرائتی از دین است که خدای بزرگ، حتی لحظه‌ای انسان را بدون راهنما، رها نمی‌کند... و نه فقط راهنما، بلکه الگو، پدر، سرپرست، ولی امر، حامی، شفیع، دستگیر، نگاهبان، شفیق و پناه و امیر...

غدیر، نماد وحدت امت است گرد برگزیده رب العالمین، برترین، عالم‌ترین، شجاع‌ترین، زاهدترین، پرهیزکارترین و شبیه‌ترین به خیر المرسلین، یعنی امام، امیر المؤمنین، صلوات الله علیه و علی آله الطیبین.

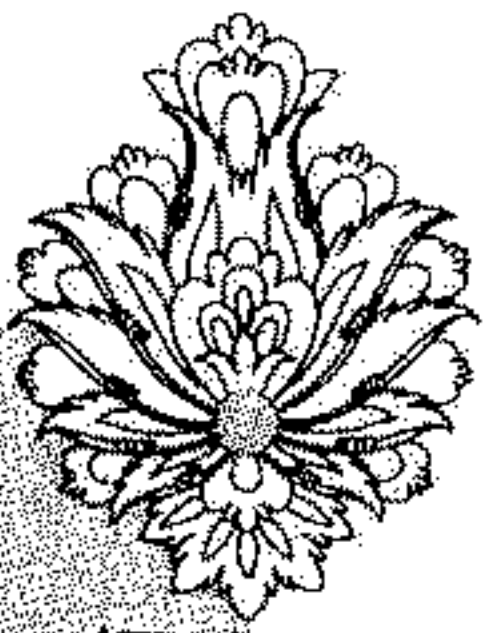
اما امروز، وارث غدیر، فرزند برومند امیر مؤمنان، حضرت مهدی صاحب‌الزمان است که گردون بر محور ولایت او می‌چرخد و منظومه تکوین و تشریح بر قبضه امرش می‌گردد که پیامبر اکرم در خطابه غدیر فرمود:

ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلَىٰ وَلِيِّكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ
الإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ!

"پیشوای پس از من به امر پروردگار، علی علیه السلام است که ولی امر و امام شماست و آنگاه امامت در فرزندان من از نسل او ادامه خواهد داشت تا روز رستاخیز که خدا و رسولش را دیدار کنید..."

و هرکس که من مولای اویم، علی علیه السلام مولای اوست: من کنت مولاه، فعلى مولاه!

۱. خطبه غدیر.



این است که هماره می خوانند:

سپاس خدای را که ما را از متمسکین به ولایت
امیرالمؤمنین و فرزندان معصومین او قرار داد:

الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیرالمؤمنین
و اولاده المعصومین علیهم السلام^۱

و غدیریان، امروز همان منتظرانند که خدمتگزار
مولایشانند هر صبح و شام و تلاش گراند تا زمینه سازان
ظهور باشند و بامدادان هر روز با امامشان، عهد و پیمان
تازه می کنند تا لحظه ای از او غافل نباشند و پروانه وار،
گرد اوامرش بچرخند و غمی از چهره اش بزایند و
لبخندی بر لبان مبارکش بنشانند و نامش را در جهان
بلند آوازه سازند و ظهورش را با تلاش، نزدیک سازند...

۱. خطبه غدیر.



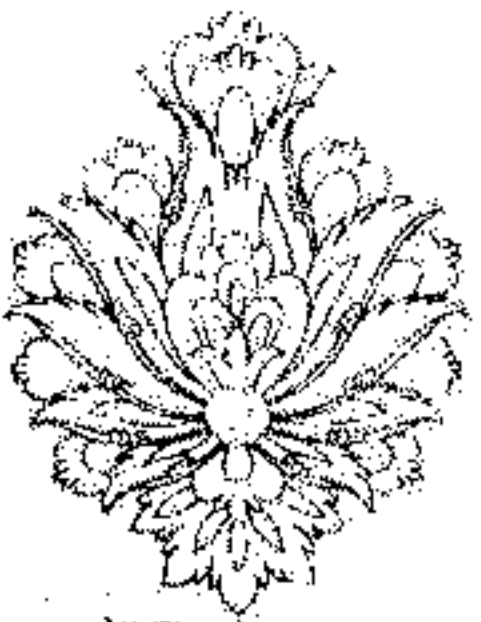
مباهله

با جان خویش به مباهله آمده‌ام!
با مسیحیان نجران قرار گذاشته‌ایم که بیایند... آنها همه
برهان‌ها را شنیده‌اند اما تن نداده‌اند و بخاطر موقعیت و
ریاستشان به حقانیت اسلام اعتراف نکرده‌اند.
باید کارزاری دیگر پیا شود که خداوند آن را ترتیب داد و
آیتی نازل فرمود:

"به آنان بگو بیایند با فرزندانشان و زنانشان و جان‌هایشان
تا مباهله کنیم و از خدا بخواهیم لعنت خود را بر
دروغگویان قرار دهد."

آنها ناگزیر پذیرفتند و قرار شد تا صبح روز بعد بیایند و بیاییم.
بیست و چهارم ذی الحجه بود از سال دهم هجرت و من آمدم:
با "جان و نفس" خویش (یعنی علی) و فرزندانم (حسن و
حسین) و نماینده زنان (فاطمه) و آنان چنان این هیبت
الاهی که انتظارش را نداشتند دیدند و مساهده کردند
که من با همه هستی خویش آمده‌ام، برخورد لرزیدند و
ترسیدند و اعتراف کردند و شکست را پذیرا شدند و به
جزیه راضی گشتند...

و این شد که "مباهله" برای همیشه آیتی شد برای
مسیحیان و همه جهان، و سندی برای حقانیت اسلام
و حقانیت اهل البیت علیهم السلام که خداوند در آیتی دیگر آنان
را "مطهر" نامید و از هر ناپاکی دور (و یطهرکم تطهیرا)...
آری "مباهله"، گواهی تاریخی است بر اینکه علی، جان و
نفس پیامبر است و خانواده او آل الله و اهل بیت پیامبر و
محور آنان فاطمه علیها السلام است: فاطمه و همسرش، فاطمه و
فرزندانش امامان معصوم در تداوم رسالت تا صبح قیامت.
و اکنون روزگار آخرین آنان یعنی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است:
همنام و هم کنیه پیامبر، ذخیره آخرالزمان حضرت
صاحب الزمان که چون بیاید عیسای مسیح برای یاریش
از آسمان آید و به او اقتدا کند و مسیحیان جهان چون
این صحنه را بینند بی هیچ مقاومت به او ایمان آورند و
جامعه عدل جهانی برپا شود... خدایا ظهورش را برسان
و ما را از یارانش گردان!



میراث حسینی و مهدویت

محترمی دیگر فرا رسید، پیش‌خوانان محرم خواندند:
وقتش شده که بیرق و پرچم بیاورید

«باز این چه شورش است که... عالم» بیاورید

این اشک‌ها برای حسینی شدن کم است

صد چشمه چشم، کوثر و زمزم بیاورید

داغی به وسعت همه عالم بیاورید

چند صفحه از کتاب مُقَرَّم بیاورید...

اما محترم و صفر را با مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رُجْعَةَ الْكَرِيمِ، که صاحب عزاست -
پیوندی جدا نشدنی است که باید در لحظه لحظه عزاها
حضور داشته باشد. مگر نخوانده‌ایم:

این الطالب بدم المقتول بکربلا یا لثارات الحسین جعلنا
من الطالبین بشاره مع امام منصور من اهل بیت محمد و
علی / آجرك الله يا بقية الله في مصيبه جدك الحسين...

نوای مرثیه سرایان حسینی همین است که:

عزیز فاطمه، جدت حسین دریم خون

تورا صدا زند از حنجر بریده، بیا

به مادری که لبش از عطش زده تبخال

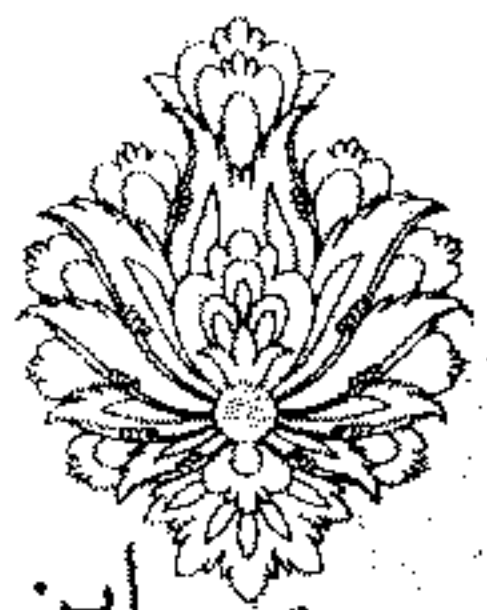
به شیرخواره انگشت خود مکیده، بیا

به آن لبی که بر آن چوب می‌زدند به طشت

به خواهری که گریبان خود دریده، بیا

کند تلاوت قرآن سر حسین به نی

بین چگونه زلبه‌اش خون چکیده، بیا...



این "صاحب عزا" را زیارتی جاودانی و معرفت آفرین است برای جدش حسین علیه السلام به نام "زیارت ناحیه مقدسه" که بسیار جانسوز و برای ما درس آموز است و شایسته است که هر روز زمزمه شود. در بعضی فرازهای آن می خوانیم:

سلام بر آن کسی که جبریل به او مباحثات می نمود

سلام بر آن کسی که میکائیل در گهواره با او تکلم می نمود

سلام بر آن کسی که عهد و پیمانش شکسته شد

سلام بر آن کسی که پرده حرمتش دریده شد

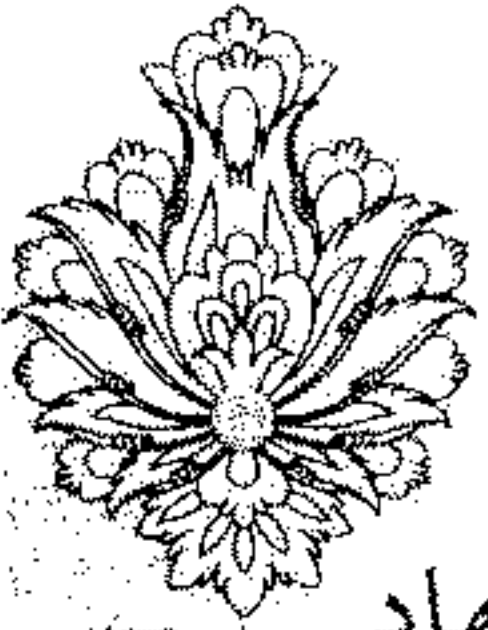
سلام بر آن کسی که خورش به ظلم ریخته شد

سلام بر آنکه با خون زخم هایش شست و شوداده شد

سلام بر آنکه از جام های نیزه ها جرعه نوشید...

در بخش های دیگر این زیارت، عبارات فرازمند و شگفتی در شأن و رتبه نیای ارجمندش به زبان می آورد که میزان نقش سالار شهیدان را در وصول به فوز و رستگاری نشان می دهد:

سلام بر تو من به سوی تو رو آورده ام، و به رستگاری در پیشگاه تو امید بسته ام / سلام بر تو سلام آن کسی که به حرمت تو آشنا و در ولایت تو مخلص و بی ریا است و به سبب محبت و ولای تو به خدا تقرب جسته، و از دشمنانت بیزار است / سلام کسی که قلبش از مصیبت تو جریحه دار، و اشکش به هنگام یاد تو جاری است / سلام کسی که دردناک و غمگین و شیفته و فروتن است، سلام کسی که اگر با تو در کربلا می بود، با جانش در برابر تیزی شمشیرها از تو محافظت می نمود، و نیمه جانش

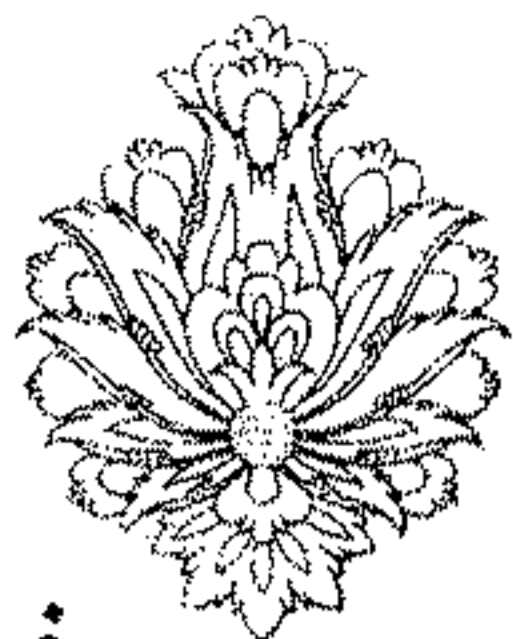


را به خاطر تو بدست مرگ می سپرد، و در رکاب تو جهاد می کرد... اگرچه زمانه مرا به تأخیر انداخت، و مُقَدَّرَات الهی مرا از یاری تو بازداشت و نبودم تا با آنان که با تو جنگیدند بجنگم و با کسانی که با تو دشمنی کردند خصومت نمایم، (در عوض) صبح و شام بر تو مویه و به جای اشک برای تو خون گریه می کنم...

آنگاه صفات حسینی را معرفی می فرماید که:

شما خیرخواه و نصیحت گر اُمت بودید و مبارزه کننده با فاسقان و برپاکننده حُجَج و براهین الهی و مهربان بر اسلام و مسلمین و یاری گر حق و در هنگام بلاها شکیبا و صابر، حافظ و مراقب دین، و مدافع حریم آن و حافظ راه هدایت و گسترش دهنده عدل و داد...

این میراث و میراث دار را در عزاهای حسینی، فراموش نکنیم!



خون عاشورایی

کدام خون در رگ‌های شیعه جاری است!؟

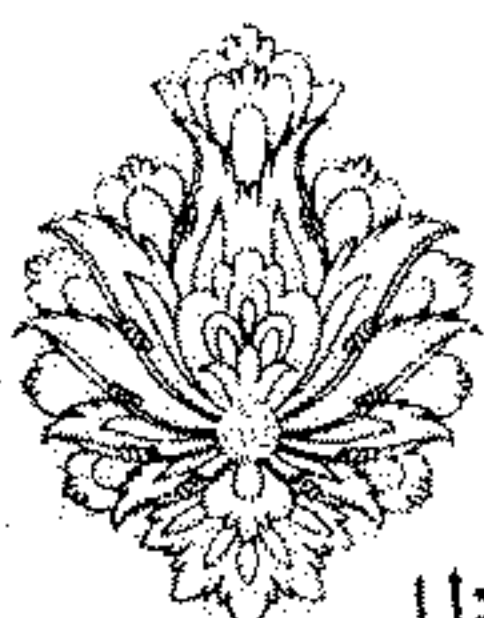
خونی که از وجود مقدس "ثارالله" در کربلای جاوید به عروق اعتقادات ولاییان دمیده شد، باورهای اسلامی‌شان را از هرگونه ویروس تحریف مصون داشت و برای همیشه دغل‌کاران و بازیگران و منافقان را رسوا ساخت...

سالار شهیدان در دشت نینوا حماسه‌ای الهی را با یاران و خویشان و فرزندان رقم زد که تمامی حماسه‌ها پیش حماسه‌اش رنگ باختند و اعوجاج همه کج راه‌ها آشکار و جبروت پوشالی سفیانیان درهم شکست...

با شهادتشان "حیات" معنا یافت (بل احیاء عند ربهم یرزقون) و با خونشان دین الهی آبیاری گشت...

بابی انت و امی یا ثارالله بابی انتم و امی تبتم یا انصار ابی عبدالله

چهارده قرن است تاریخ، مات دهم محرم سال شصت و یک است... خورشید هر روز ناباورانه بر دشت نینوا عبور می‌کند و بر عظمت این انصارالله غبطه می‌خورد و می‌رود تا در فردایی دیگر بر تربت آنها طلوع کند و سلام گوید...



ماهتاب نیز در همه این شب‌ها صبحی را چشم انتظار
است که منتقم خون ثارالله، قیام کند تا دمار از روزگار
ظالمان در آورد و داد مظلومان و شهیدان از انبیا و اولیا
را از غاصبان و ستمگران باز ستاند...

این نوای هر روزه همه آنهایی است که خون عاشورایی
در رگ‌هایشان موج می‌زند:

این الطالب بدم المقتول بکر بلا

این المنصور علی من اعتدی و افتری ...

و آرزو می‌کند:

واجعلنا من الطالبین بشاره مع امام منصور من اهل بیت
نبیک ...

این خون در رگ‌های عاشوراییان از خروش نمی‌ایستد تا
آن روز موعود فرا رسد که فرا خواهد رسید!



بعد از عاشورا

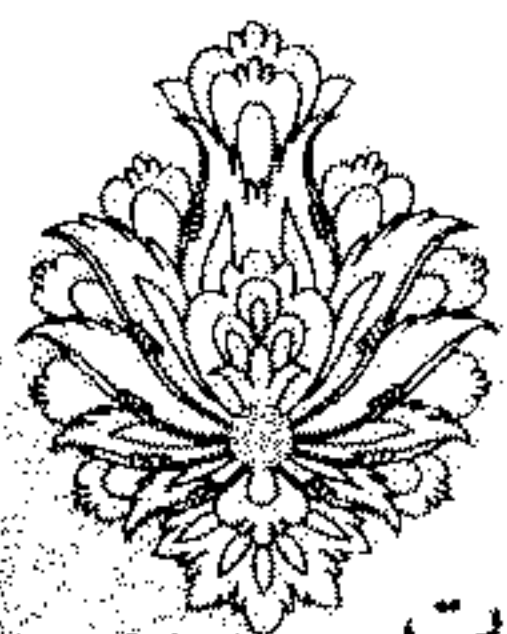
تمام آیین‌های اقامه عزا و ماتم و شور حسینی در طول سالیان و قرون پس از عاشورای شصت و یک، عرض ارادت و خاکساری است به ساحت قدسی خامس آل عبا حضرت سید الشهداء علیه السلام و فریاد "لبیک" به ندای مظلومانه "هل من ناصر ینصرنی" او در کربلای تاریخ و عاشورای زمان...

این "لبیک" یعنی با "حسین" بودن، با "حسین" زیستن، راه "حسین" را پیمودن و لحظه‌ای از "آل الله" جدا نشدن و آماده بودن برای اقامه "ثار" او با امامی منصور از اهل بیت او برای شکستن صولت مستکبرین و احیای معارف قرآن و معالم دین و اجرای شریعت خاتم النبیین صلوات الله علیه و علی آله الطیبین.

در فرازی از دعای بعد از زیارت عاشورا می‌خوانیم:

"اللهم احینی حیاة محمد و ذریته و امتی مماتهم و توفنی علی ملتهم و احشرنی فی زمרתهم و لاتفرق بینی و بینهم طرفه عین ابداء فی الدنیا و الاخره" ... پروردگارا! زندگی و مرگم را همچون زندگی و مرگ محمد صلی الله علیه و آله و خاندانش قرار ده و با آنها محشورم کن و هرگز حتی لحظه‌ای بین من و آنان در دنیا و آخرت، جدایی میاندازا!

آن "لبیک" به ندای "هل من ناصر" رمز پایداری قرائتی از دین اسلام است که احیائش در سال شصت و یک به اباعبدالله الحسین علیه السلام و پس از او به امامان از نسل او و امروز به فرزندش اباصالح المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سپرده شده که یاوران متعهد به یاری آنان برای تحقق آن ماموریت عظیم‌اند.



روح امید و انتظار، سرمایه نسل وفادار به این "حیات طیبه" بوده است برای تلاشی فراگیر در طول قرون و اعصار تا این فرهنگ همواره شاداب بماند و ندای حسینی از ورای قرون شنیده شود و حق جویان در هر کجای عالم راه را پیدا کنند و زمینه برای ظهور عدالت گستر حقیقی فراهم گردد تا جهان به راستی و داد در آید...

عاشورا، میزانی است تا هر اسلام خواهی، صدق یآوری خود را با آن محک زند و بنگرد بر آرمان حسینی راه می سپرد یا نه و برای امام زمانش یاور خوبی است یا نه و به ندای او لبیک می گوید یا نه و برای نزدیک ساختن وعده نهایی الهی، گامی بر می دارد یا نه!

خدایا ما را شرمنده عاشورا مکن و در این میزان سربلندمان ساز!

یا لثارات الحسین

مولایمان حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى رَحْمَةً شَرِيفَةً را با نیای مظلومش حضرت اباعبدالله الحسین عَلَيْهِ السَّلَامُ، علقه‌ای است عمیق و پیوندی است وثیق. قیامش در راستای خونخواهی آن جد بزرگوار است و شعارش "یا لثارات الحسین".

در یکی از «زیارات جامعه»، خطاب به آن حضرت می خوانیم:

«السلام علی الامام الغائب عن الابصار و الحاضر فی الامصار و الغائب عن العیون و الحاضر فی الافکار، بقیة الاخیار، وارث ذوالفقار، الذی ینظر فی بیت الله الحرام ذی الاستار و ینادی بشعار یا لثارات الحسین، انا الطالب بالاوتار، انا قاصم کل جبار»

۱. النجم الثاقب، ص ۴۶۹.



سلام و درود بر امامی که از دیده‌ها پنهان است و در شهرها حاضر. آن که از دیده‌ها، نهان است و در دلها حاضر. باقی مانده نیکان و وارث ذوالفقار، آن بزرگواری که در بیت الله الحرام - که دارای پرده‌ها است - ظاهر می‌شود و به شعار «یا لثارات الحسین» ندا می‌کند و می‌فرماید: منم مطالبه کننده خون‌های به ناحق ریخته؛ منم شکننده هر ستمگر جفا پیشه...»

و یاران آن بزرگوار نیز به پیروی از امامشان، همین شعار "یا لثارات الحسین" را سر می‌دهند. امام صادق علیه السلام هم می‌فرماید: «شعار یاران حضرت مهدی یا لثارات الحسین (هلا، خونخواهان حسین علیه السلام!) است» (همان)

به فدای آن نیای نورانی که در راه احیای دین، همه هستی خویش را ایثار نمود و آل و عیال و خاندان و یاران را مخلصانه به میدان آورد و باخونش دین را بیمه کرد...

و به فدای آن فرزند که محیی آموزه‌های بلند شریعت و آیین است و مجدد اسلام و فرائض و سنن آن؛ و تا روزگاری که خداوند اذن ظهورش دهد، چشمان نازینش اشکبار و چهره مغمومش نیلگون است...

یاران او در واپسین سجده هر نماز به درگاه بی‌چون پروردگار عرض نیاز می‌کنند که:

اللهم اشف صدر الحسین بظهور الحجة عجل الله تعالی فرجه الشريف

خدایا با ظهور آن حجت الهی، سینه پر غصه سالار شهیدان حسین علیه السلام را شفا بخش...





اربعین و مؤمنان

اربعین سالار شهیدان را نردبانی است به ملکوت ایمان از طریق زیارتی مخصوص و عرض ارادتی به ساحت قدسی آن نواده رسول و فرزند بوتراب و بتول علیهم صلوات الرب الغفور الودود...

حضرت امام ابامحمدالحسن العسکری علیه السلام را نادره کلامی است در پنج نماد ایمان و نشانه‌های مؤمنان در طول روزگاران:

پنجاه و یک رکعت نمازهای فریضه و نافله، زیارت اربعین، انگشتی در یمین، برخاک سودن جبین و بلند خواندن "بسم الله الرحمن الرحيم"

از زیارت نورانی اربعین این فراز گهربار را خطاب به آن شهیدان خدایی در زیارت اربعین می‌خوانیم:

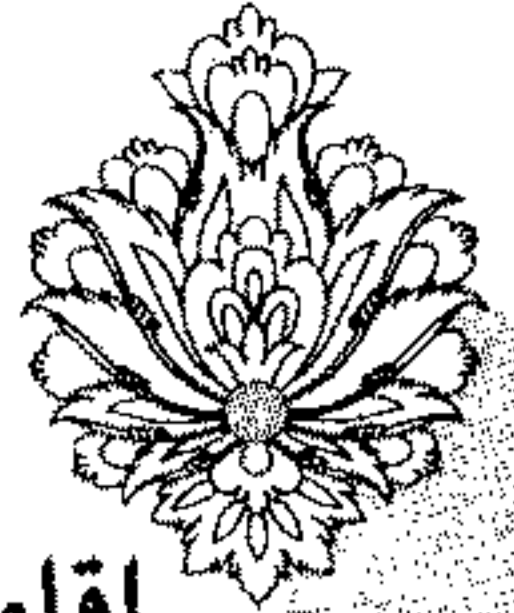
اشهد انّی بکم مؤمن و بایابکم موقن...

و قلبی لقلبکم سلم و امری لامرکم متّبع و نصرتی لکم معده...

گواهی می‌دهم که به شما مؤمن و به رجعت‌تان، موقنم و دلم با شما همراه و پیرو امر شمایم و آماده یآوری تان هستم...

این دلدادگی و زیارت، آیین ایمانیان است که گذارش از اربعین است و پیوند با ساحت قدس حسینی و آمادگی برای نصرت او در روزگار ظهور فرزند ثائرش حضرت امام اباصالح المهدی و آنگاه روزگار رجعتشان که آن را دور نمی‌پنداریم اگر دیگران دورش می‌پندارند: انهم یرونه بعیدا و نراه قریبا.... ابدًا واللّٰه یا زهرا ما ننسی حسینا

۱. به خدا سوگند، ای زهرا علیها السلام ما تا ابد حسین علیه السلام را فراموش نمی‌کنیم.



اقامه سنت و سیره نبوی

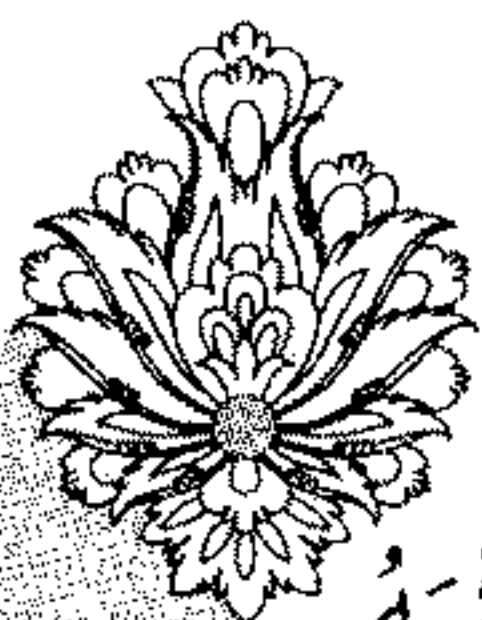
در آخرین روزهای ماه صفر حیات جسمانی پیامبر نور، آن رحمت رحمانی و سفیر مهربانی به پایان رسید و چشم همه انسان‌های پاك ضمير و نيك نهاد را بارانی کرد. سنت و سیره‌اش که در آن سال‌های غربت نمایان شد در طول سالیان و قرون چراغ راه میلیون‌ها انسان شد و امروز نزدیک دو میلیارد مسلمان روزانه بارها و بارها به روان پاکش سلام و صلوات می‌فرستند و برای داشتن چنین پیامبری خدای را سپاس می‌گویند.

اما آن سفیر نور فرصت نیافت تا همه برنامه الهی و اهداف ربّانی خود را مستقر سازد و شیطان و همدستان نگذاشتند تا وارثان و امامان و خلفای راستینش آن رسالت را جاری سازند و جهانگیر نمایند اما خدای متعال وعده فرمود که یکی از فرزندانش در آخرالزمان این رسالت را به انجام رساند. خود او فرمود:

سُنَّتُهُ سُنَّتِي يُقِيمُ النَّاسَ عَلَى مِلَّتِي وَ شَرِيعَتِي وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ^۱

سنت او (مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ) همان سنت من است و مردم را به دین و شریعت من به پا می‌دارد، و آنان را به کتاب خدا فرا می‌خواند^۲ و فرمود:

۱. خارج ۵۱، ص ۷۳ باب ۱.
۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۱۱.



الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ اسْمِي وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِي أَشْبَهُ
النَّاسِ بِي خُلُقاً وَ خُلُقاً^۱

مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من و کنیه او
کنیه من است و او از لحاظ جسمی و روحی و اخلاقی،
شبهه‌ترین مردم به من است.^۲

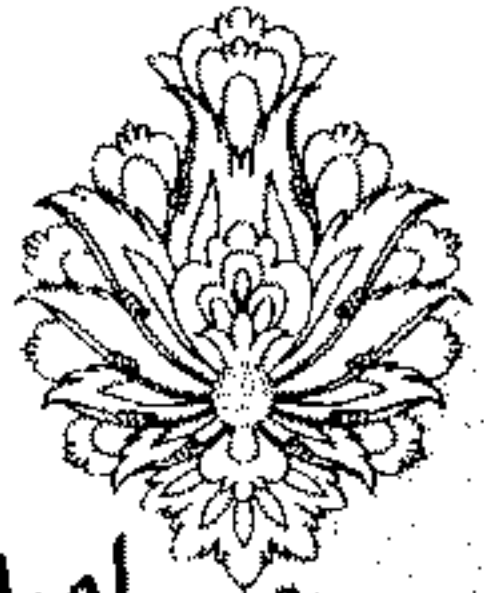
بر رهروان انتظار است تا با شناخت سیره و سنت نبوی
خود را برای یاری امام عصر ارواحنا فداه در اجرای فراگیر
آن برنامه الهی در جهان آماده کنند که مولایشان برای
استقرار آن سنت و سیره قیام خواهد نمود تا جهان بطور
کامل محمدی شود.

این روزها چقدر تشنه دیدار آن سیمای نورانی، دارای
خُلق و خُلُق محمدی، زنده کننده سنت و سیره نبوی
هستیم، خدایا اورا به ما و ما را به او برسان!

۱. کمال الدین، ص ۲۸۶ و ۲۸۷.

۲. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۰۹.





امید پاییزی

پیغمبر مهربان مهدی

در خزان چشم به راه آمدنت هستیم... شاید از سر "مهر" بیایی و آنگاه بفرموده امام صادق علیه السلام یاران همچون ابرهای پاییزی گرد شمع وجودت مجتمع شوند و به مقتضای "فاستبقوا الخیرات" به سوی آستانت که مصداق "همه خوبی‌ها" هستی بشتابند و از کنار کعبه قیام شکوهمندت آغاز شود و بهار جاودان از راه برسد... از دو امام گرانمایه حضرت باقر و حضرت صادق علیه السلام در تأویل واژه "امت معدوده" در آیه شریفه:

وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ ۱.

آمده است که منظور، یاران حضرت مهدی هستند. آنان به شمار یاران پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر، ۳۱۳ نفرند و بسان ابرهای پراکنده پاییزی - که بناگاه برای نزول باران رحمت، به خواست خدا متراکم و منسجم می‌گردند. ظرف يك ساعت از سراسر جهان در مکه، برگرد وجود آن خورشید جهان افروز، گرد می‌آیند. همچنین در تأویل آیه شریفه

فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا ۲

فرمودند: این آیه شریفه اشاره به ۳۱۳ نفر یاران اصلی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف دارد. بخدای سوگند! که آنان در شمار، اندك هستند. اما در کارایی و ایمان و شکوه معنوی، بسیار. و بسان ابر پراکنده پاییزی - که بناگاه

۱. هود / ۸.
۲. بقره / ۱۴۸.



به فرمان خدا به هم می‌پیوندند و متراکم می‌گردد - آنان نیز ظرف يك ساعت از سراسر گیتی در مکه حاضر می‌گردند.

امیرمؤمنان علیه السلام نیز فرمودند: یاران او، بسان ابرهای پراکنده پاییزی که بناگاه برای نزول باران رحمت، به خواست خدا متراکم می‌گردند، از نقاط و قبایل و نژادهای گوناگون، بصورت يك نفر، دو نفر، سه نفر، چهار نفر، پنج نفر، شش نفر، هفت نفر، هشت نفر، نه نفر و ده نفر، در مکه به گرد آن خورشید جهان افروز گرد می‌آیند. در پائیزان روزگاران، یاران پولادوش او همچون ابرهای پاییزی گردش جمع می‌شوند تا بهاران را نقش زنند!



ما و مسیحیان در انتظار

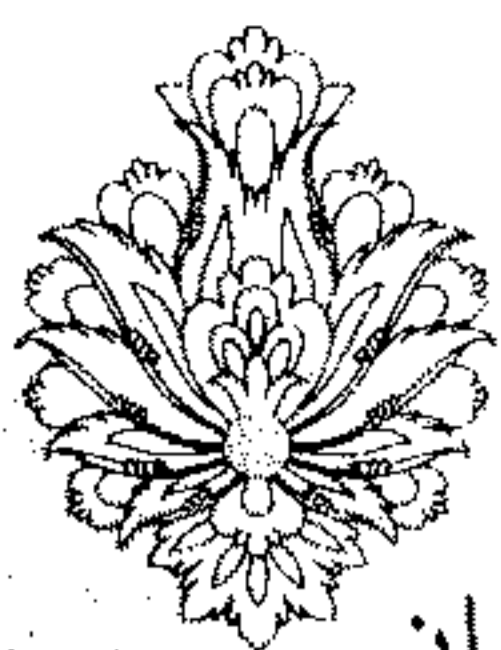
ایام دوازده روزه کریسمس از سالروز میلاد مسیح در ۲۵ دسامبر آغاز گشته و تا جشن خاج شویان^۱ در روز ششم ژانویه (قول دیگری در میلاد مسیح) ادامه می یابد. کریسمس یا جشن مسیح اگر چه خاستگاه مذهبی دارد اما به تدریج به یک جشن فراگیر تبدیل و فرصتی گشته برای دور هم جمع شدن اقوام و دوستان و هدیه دادن به هم با آیین های ویژه ای همچون آراستن و نورانی کردن یک درخت کاج و شادمانی و انتظار برای رویش و طراوت و نور.

همراهی معنا دار کریسمس (عید میلاد) و انتظار آمدن مسیح برای برقراری عدالت و راستی یاد آور همراهی جشن های میلاد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نیمه شعبان، عید انتظار عدالت موعود و منجی آخرالزمان است.

از قضا این همراهی ریشه اعتقادی دارد آنجا که در روایات اسلامی، مسیح در هنگام ظهور مهدی موعود بازخواهد گشت و در مقام وزارت آن منجی عدالت گستر، در استقرار برنامه الهی او را یاری خواهد داد.

روزگار طلایی جهان که همه بشریت چشم به راه فرارسیدن آن است روزی است که این دو بنده صالح خدا دست در دست یکدیگر قیام نموده و زمین از اسارت فاسدان و فاسقان نجات یافته به صالحان ارث خواهد رسید. با دیدن عیسای مسیح در کنار مهدی موعود،

۱. نام یکی جشن های مسیحی است. این جشن، عید اول سال ارمنیان و دیگر کیش های ارتدکس است. ارمنیان ایران مراسم خاج شویان را روز سیزدهم ماه ژانویه برگزار می کردند.



مسیحیان بی هیچ درنگ و مقاومتی به صاحب الزمان
ایمان آورده در کنار پیامبر خود در نماز به مهدی عجل الله تعالی
فرجه الشریف اقتدا خواهند نمود.

کاج نماد رویش و زیتون نماد صلح و نور نماد علم و
عدالت و وداع با جهل و ظلمت در این جشن های میلاد
است که بسیار پر معناست.

این دوازده روز و بلکه همه روزهای سال فرصتی است
برای منتظران موعود که با بیان آرمان های مشترك خود به
همدلی و همزبانی برسند و برای یاری آن رهبران الهی
از هم اکنون خود را آماده کنند که جهان سخت تشنه
ظهور آنان است...

